صحبت رئیسه تنظیم
اسلامی زنان

پیام
زن مسلمان
شماره (۱۵) جدی ۱۳۶۷

Resource Information Center
AFGHAN
ERIC
PROPERTY OF
ACKU

زن مسلمان درانتظار دمیدن صبح
و
در آرزوی دنیای اسلامی

الا اِن نصرالله قریب

تخته پل قندهار - جدی ۱۳۶۷

پیروزی های اخیر و سراسری مجاهدین

مبارک باد

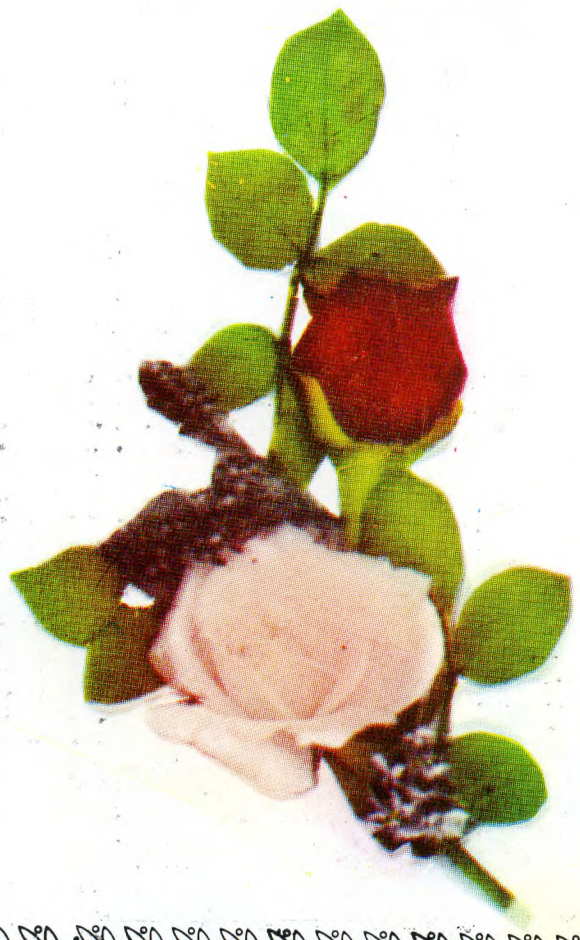

پیروزیها چون نسیم سحرخبراز صبح سعادت میدهد
وما رابجانب آزمونهای بزرگ فرامیخواند

PROPERTY
ACKU
S895

بسم الله الرحمن الرحیم

والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف وینهون عن المنکر ویقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة ویطیعون الله ورسوله

پیام زن مسلمان

ارگان تنظیم اسلامی زنان افغانستان زیر نظر شورای فرهنگی

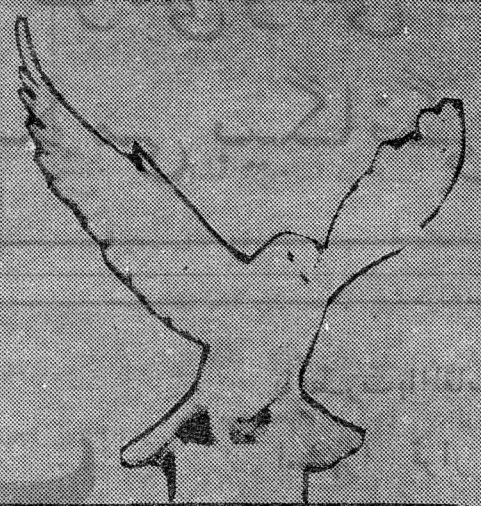

پیشکش شماره

پانزدهم • جدی ۱۳۶۷

ازمشکلات ومزاحمتهای که درراه فعالیتهای زنان مسلمان وجود دارد اطلاع دارید. این مسئله رادرپرتو نقش سازنده زنان درنهضت اسلامی مورد بررسی قرار داده ومسئولیت دعوتگران نهضت راباد هائی کرده ایم ـ

ص (۴)

محترمه فاطمه "یاسر" چند نظر صریحی درباب مشکلات تنظیم اسلامی زنان داده اند که شمارا به مطالعه آن دعوت مینمایم :

(۱۱)

.دربخش عقیدتی مبانی فلسفی اسلام ومارکسیزم بشکل مقایسوی ارزیابی شده است ، این مقاله شمارا به ضعف فلاسفه مادی تاحد زیادی اشنامیسازد.

(۲۳)

ازانتخابات پاکستان وحرو مداهای ان مطالبی شنیده ایم. دراینجا به نقاط ضعف انتخابات اشاره کرده ایم .

(۲۶)

مطالب خدا رهستی دربخش ادبی داریم ، یک شعر وچند قطعه مضمون کوتاه وه آورده این شماره است

(۱۹)

دومطلب درمورد کودکان داریم : مطلب اول پرابلم های خواب کودن رامورد بررسی قرار داده ودرمطلب دوم راجع به سنین اولیه طفل مسائلی گرداوری شده است .

(۱۸)

"برای ظلمتها" یکی از بخشهای اختاصی این مجله است که دران مواضع گروهکهای الحادی وضد انقلابی زیر سوال میرود ،مطلب این شماره بیک گروهک زنانه شعله نی وخادیست مربوط است که شبکه آن اخیرا توسط پولیس پاکستان کشف وخنثی گردیده است .

(۳۴)

وضع کابل تغییر میکند امید آمد نظام اسلامی مردم را واداشته است تاخود شانرا با انقلاب اسلامی هماهنگ نمایند. دراین زمینه دوتاسه مقاله رامطالعه کنید :

۳۰

شرح اشتراک سالانه مجله زن مسلمان

پاکستان (۱۵۰) کلدار سایرکشورها (۲۰) دالر

ایران (۱۰۰۰) تومان تک شماره (۸) روپیه کلدار

حساب بانکی : ۴۸۷

مسلم کمرشل بینک لمیتد

شاهین بازار برانچ پشاور

آدرس تنظیم اسلامی زنان

فقیر آباد نمبر (۲) پشاور پاکستان پوست بکس (۱۲۶) صدر

کسانیکه امروز علیه مجامع خواهران مسلمان و مبارز صدای اعتراض بلند میکنند و میخواهند بعد از این همه دستاورد نقش زن را در پس اوهام و عنعنات قومی و ملی گم کنند با مصالح درونی نهضت اسلامی بیگانگی دارند

انقلاب اسلامی و موقعیت دیروز و امروز زنان

کسانیکه سروکاری با مجامع آموزشی و تعلیمی گذشته داشتند کلاً میدانند که حرکت های کفر انگیز سرمایداری و کمونیزم تاچه‌سرحدی در ملت ما ایجاد رخنه کرده بود .

درین مجامع آشکارا به اصول و موازین اسلام اهانت میشد - فردمسلمان و عنصر باعفت و با فطرت با القاب «کهنه» ، عقب گرا و ضد ترقی مورد استهزا قرار میگرفت .

در کشوریکه مردمش برای دفاع اسلام قر بانیها داده و مرکز ثقل و اعتبار اسلام معرفی شده بود ، اینک در وضعی قرار میگرفت که آنجا نباید از اسلام و از تطبیق اسلام حرفی در میان میبود .

عوامل کفر جهانی و روشنفکران ! ساخت مسکو و پیکن در همراهی با آقازاده‌گان فرنگ زده بعنوان ادله و براهین فکری مسئله عقب مانی و محکومیت زنان را در جوامع اسلامی بیشتر از مسائل دیگر ، پیش کش بحث‌ومبارزه شان داشتند .

آنها بطور ناجوانمردانه وشیطنت آمیزبخشی از رسوم و روابط ناهنجار اجتماعی را که یادگار همقطاران سلف و طاغوتی شان محسوب‌میشد ، به اسلام نسبت میدادند .

ازنظر این کوردلان : عفت ، حجاب وشرف فردی و خانوادگی محصول افکار ارتجاعی بود ولی

سرمقاله

بدون تردید اگر زن مسلمان و تحصیلکرده درکنار مرد مسلمان نمی ایستاد و نقش حیاتی خود بروز نمیداد نسل جوان و با سواد اینطور یکدست به حمایت نهضت اسلامی قیام نمیکرد انقلابی به این عظمت و پهنا هرگز وجود نمیداشت

فساد و عفونت و از خود بیگانگی تقاضای عصر و اسباب تمدن ! و ترقی !!

با این وضع چیزی نمانده بود که نسل جوان یکی و یکبار در اجنزار غربزده گی و کمونیزم سقوط نمیکرد و شهرت آزادگی و رسالت تاریخی مردم افغانستان جز اساطیر سابقه و فراموش شده نمی شد .

اما نسل جوان و کاوشگر افغانستان در پیشاپیش دیگر عناصر آگاه و حساس مترصد این حرکت خبیثانه و مرگبار شد . از درون همین مجامع تعلیمی یعنی از مراکزی که استکبار سرخ و سیاه خیلی به آن تکیه داشتند ، نور تابان وزندگی بخش اسلام درخشیدن گرفت و یک حرکت فکری و منطقی در برابر مکتب کمونیزم و سرمایداری قد علم نمود .

این حرکت الهی بهمت برادران وخواهران محصل و دیگر طلاب و دانش آموزان و به پشتوانه قلم و کتاب و از پشت میز تعلیم شروع شد . خواهران مسلمان در آن لحظات حساس و قیمتی در میدان عمل ثابت ساختند که زن تعلیم یافته نه تنها اینکه از اسلام فاصله نمی گیرد ، بلکه خود عنصری فعال و شکل دهنده در نهضت رهایبخش اسلام میشود . این دختران تحصیلکردهٔ حاضر بودند که در رهبری و هم ردیفی برادران شان علیه روشنفکران غرب زده و مادی ایستادگی کردند و الگوی نسل همتراز خود شدند . توده های مردم که تا آنوقت از مکتب و تعلیم وهرچه مربوط به آن بود دلسرد شده بودند و با نام آن حساسیت داشتند : وقتی نجیب ترین ومتدین ترین فرزندان شانرا در حرکت اسلامی پوهنتونها مشاهده کردند و همچنان وقتی طبقه جوان و با سواد زنان و دختران مسلمان را در پیشاپیش نهضت اسلامی دیدند و روشنفکر مسلمان و غیر مسلمان را بطور بیطرفانه بهلوی هم گذاشتند ، اعتماد شان بطرف « جوانان مسلمان » جلب شد .

این رویداد ها ابتدا ، تقریباً در عرصه کمتر

انقلاب اسلامی زن را از حصار مظلومیت بیرون آورده . زن مسلمان دیگر موقع نمیدهد که جهل انزوا، فقر و ستم را بالای او تحمیل کنند .

از یکسال انجام گرفت و مانند انفجار نور همه جاگیر شد . دیری نگذشت که همین قشر رهبری کننده نهضت اسلامی ، یعنی « جوانان مسلمان » اکثریت قاطع کرسی های اتحادیه محصلین آنوقت را بخود اختصاصی داد و گروهکهای الحادی که

با ساز وبرگ زیادوباپشتوانه‌روس و امریکا سنگ رهبریت نسل جوان را به سینه میزدند و شمار شان ار حدود یک درجن ! زیادی میکرد همه در اقلیت ماندند . این ناکامی ایادی شیطان سر آغازمداخلات وحملات خشونت‌بار دولت اشغالگر روس‌درتاریخ های بعد ازآن حادثه‌محسوب‌میگردد .

ما که امروز میلیونها انسان را اعم از اقشار مختلف باخود داریم و در رستاخیز اسلامی افغانستان به قبول بیش از یک ملیون شهید و ملیونها خساره و مصیبت دیگر توانمندی پیدا کرده ایم ' برکت همان نهضت است . بدون تردید، اگر زن تحصیلکرده‌ومسلمان در آنروز کنار مرد مسلمان نمی ایستاد و نقش حیاتی از خود

بروز نمیداد؛ نسل جوان و فهمیده اینطور یکدست به حمایت از نهضت اسلامی قیام نمیکرد و انقلابی به این عظمت و پهنا هرگز وجود نمبد اشت.

مردمیکه انقلاب کرده طبعاً انتظار کار برد انقلاب را در مرحله بازسازی اجتماعی دارند. مردم میخواهند ببینند دعوتگران نهضت برخرابه های نکبت بار کمونیزم و سرمایه داری چه «مساکن طیبه» ای را بالا میبرند و برای التیام درد ها و مصیبت ها چه نسخه ای را فراهم میکنند.

اینکه میپرسند دنیای زن در فردای پیروزی انقلاب چه حدو اندازه ای دارد یک واقعیت است زیرا وضع رفت بار جامعه زن زودتر از هر مصیبت دیگر، نیاز رسیدگی از جانب نهضت اسلامی را در خود احساس میکند.

زن مسلمان که از رسوم و روابط طاغوتی وغیر اسلامی رنجها برده واز نیات شوم سرمایداری و کمونیزم که خواسته اند وجود اولی و معنوی زن را تا حد یک افزار مادی و مصرفی نزول بدهند، با خبر شده است، انتظار دمیدن صبح را دارد. انتظار محیطی رادارد که در آن به فطرتش باز گردد و شخصیت اش را از آسیب ماده ومتاع در امان بیند.

تمام عناصر پیشرو انقلاب، همه داعیان و پاسداران فکری وعملی نهضت در هرجا وهر موقعیتی که قرار داریم، اگر «عملیه» لازم برای اعمار یک جامعه اسلامی را که مسئله زنان نیز بخش مهمی از آن است، با خود نداشته باشیم واگر ازهمین حالا اراده و برنامه خودرا به این منظور روشن و مشخص نسازیم، به اعتماد مردم وبه آرمانهای نهضت اسلامی خیانت کرده ایم. مابرای برگرداندن نقش اصلی وهویت اسلامی زنان نزد خداوند مسئولیت داریم.

وقتی معتقدیم اسلام نظام اولی وبرگزیده اجتماعیست باید این برازندگی وتفاوت مثبت درهمه زمینه ها واز جمله در حیات فردی واجتماعی زنان عملی و قابل لمس باشد. زینکه در آتش جهل وفقر و محکومیت میسوزد - زینکه دایرهٔ ذهنش را اباطیل خرافی و غیر اسلامی احاطه کرده است چگونه میتواند در این دنیای روشن دعوای مسلمانی وبرگزیده گی داشته باشد ؟!

مطمئناً کسانیکه امروزعلیه مجامع خواهران مسلمان و مبارز صدای اعتراض بلند میکنند و میخواهند بعد از این همه دستاورد، نقش زن را در پس اوهام قبایلی و ملی گم کنند با مصالح درونی نهضت اسلامی بیگانگی دارند.

مخالفت با تعلیم و تربیه زنان، مخالفت با حق سیاسی و تشکیلاتی زنان درهرشکلی که انجام میشود خواه از تحریکات مرموز و خفیه دشمن باشد وخواه از جانب برخی از دوستان غافل و خواب اندود، مسئله ای است که ثمره آنرا استکبار می چیند. این کوشش در حقیقت مساوی به این هدف شوم است که خدای نا کرده زن آگاه ومسلمان ازصحنه زندگی اجتماعی کنار برود و زمینه برای فعالیت زنان شرک زده و مادی فراهم آید.

ولی انقلاب اسلامی شاهراه وسیعی را در برابر زن قرار داده واوراازحصار مظلومیت بیرون آورده است. زن مسلمان دیگر بکسی موقع نمیدهد که جهل، انزوا، بی سوادی، فقروستم حرمسرائی را بنام مصالح شرعی و دینی بالای او تحمیل کنند. زن مسلمان اینک با چشم بازو با درک عمیق از اصول حقه و جاودانه اسلام راهش را به پیش میکشد.

تنظیم اسلامی زنان و رویدادها

رئیسه تنظیم اسلامی زنان افغانستان :

مذاکرات مستقیم نمایندگان مجاهد با روسها پیروزی تاریخی نهضت است

دیـدار هیئت روسی باناینـدگان مجاهد که برای اولین بار ماه گذشته در اسلام آباد صورت گرفته از مسائل مهم وقابل بحث محافل سیاسی جهان بود . محترمه فاطمه یاسر رئیسه تنظیم اسلامی زنان افغانستان در خصوص اهمیت این مذاکرات گفت : مذاکرات روسها با نماینده گان مجاهد کسانیرا که جهاد افغانستان را وابسته به غـرب وانمود میساختند شرمنده و خجل ساخته است . این مذاکرات غروروو جاهت روسهارا درانکارازحقیقت مجاهدین دگر گون ساخت .

محترمه یاسر گفت : مذاکرات مجاهدین و روسها پیروزی تاریخی نهضت است . این پیش آمد مهم سیاسی برای جهانیان فهماند که روسها از ناحیه اسلام احساس خطر میکنند نه از ناحیه امریکا .

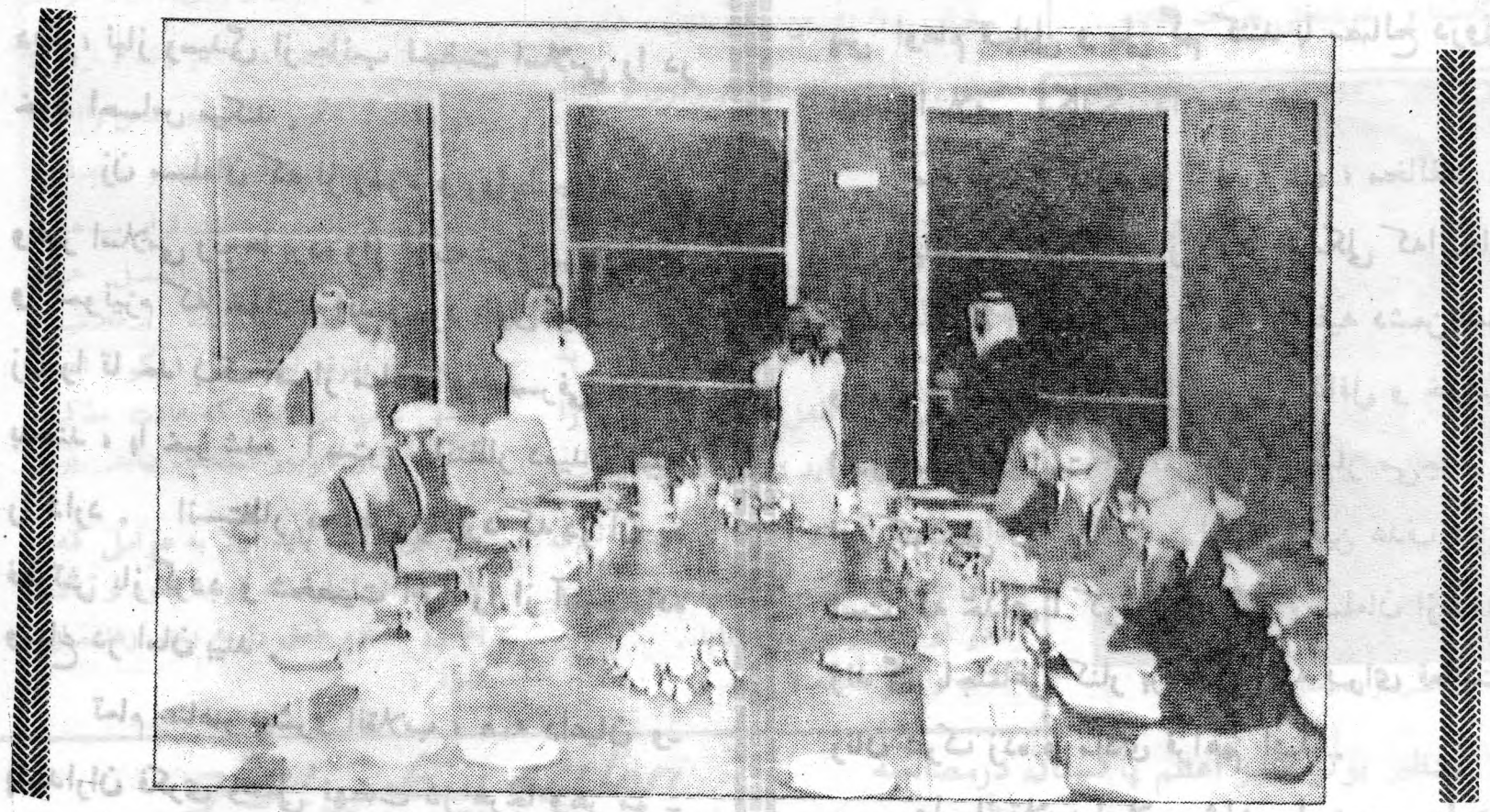

تصویری ازمذاکرات هیئت مجاهدین و روسها در طایف

گردهمایی تنظیم اسلامی زنان بمناسبت تقبیح ششم جدی

در نهمین سالگرد اشغال تجاوز روسهاوبه سر زمین اسلامی افغانستان گردهمایی بزرگی به اشتراک خواهران عضوتنظیم اسلامی زنان شاگردان واستادان مدارس مربوط تنظیم اسلامی زنان وجمعی دیگر از زنان مهاجـر در صحن دفتر مرکـزی تنظیم اسلامی زنان بر گذار شده بود .

در ایـن کنفرانس پرشکوه خواهران مسلمان باایراد بیانیه ها وقرائت اشعار انقلابی از قیام بزرگ و تاریخی مردم مسلمان افغانستان در برابر اشغالگران کمونیزم تجلیل بعمل آوردند . در همه این صحبت هامسئله تائسیس حکومت اسلامی وپایان گرفتن آثار و عوامل کمونیستی وسرمایه داری در افغانستان تاکید بعمل آمد .

در قطعنامه تنظیم اسلامی بمناسبت ششم جدی ضمن پشتیبانی مذاکرات مستقیم از روسها تقاضا بعمل آمده تاشیطنت های سیاسی خودرا کنار بگذارند و برای مغشوش ساختن افکار جهانی باتُقاله ها و عناصر غیر اسلامی و جهادی مذاکره نه نمایند.

به کار های فکری و دعوتی الویت بدهیم

هیئتی از تنظیم اسلامی زنان افغانستان جهت بازدید از کار خواهران نمایندگی تنظیم اسلامی زنان عازم کویته شده بود. هیئت در گزارشی که بعد از اتمام سفر تقدیم دفتر مرکزی تنظیم اسلامی زنان نموده کارهای جهادی، ونهضتی خواهران مهاجر آن دیار را در حال توسعه و شگوفاخوانده است.

هیئت مذکور به نامه نگار مجله پیام زن مسلمان گفت:

نمایندگی تنظیم اسلامی زنان سه سال قبل با امکانات ناچیز به فعالیت آغاز نمود.

الحمد الله با درنظر داشت شرایط دشوار اجتماعی و سیاسی توانسته است کارهای نسبتاً موثری در سطح زنان انجام دهند. نمایندگی تنظیم علاوه از مدرسهٔ که در مرکز نمایندگی وجود دارد وتقریباً میرود که دوره ابتدای خود را بپیماید، در نقاط مهاجر نشین مرکز کویته مثل «غلجی کالونی» «سراف رود» کمپ سرخاب و کمپ پنج پای تاسیس نموده وغیر از مدارس مذکور، نمایندگی در بخش های صنایع دستی در حدود توان نیز کار نموده که از آنجمله میتوان کار قالین بافی در کمپ پنج پای و کارهای سوزن دوزی در کمپ سرخاب، یک دستگاه کوچک خیاطی در مرکز نمایندگی که نظر به گمبود مواد خام درین او اخر تعطیل میباشد نامبرد.

ناگفته نماند مدارس مربوط تنظیم در کویته از ناحیه امکانات بیش از همه نواحی مهاجر نشین داری مشکلات میباشند. طور مثال مدارس تنظیم در کمپ پنج پای و سرخاب از ناحیه آب آشامیدنی مشکلات زیاد دارند همچنان از ناحیه نبودن فرش و مکان شخص مدرسه، که این مشکل در کمپ پنج پای زیاد محسوس است و مدارس تیظیم در مرکز کویته ازناحیه وسائل حمل ونقل شاگردان، کتب درسی، محل اسکان مدرسه کمبودی مالی دارند.

هیئت دراجتماع از اعضای دفتر و معلمان مدارس که در مرکز نمایندگی تشکیل شده بود از زحمت کشی و مبارزات خواهران عضوچه در دفتر و چه در مدارس تمجید نموده وبرای

←

تنظیم اسلامی زنان و رویدادها

خوا هران از خداوند لایزال جزای نیک خواستار شد . هیئت این مسئله را تاکید نمود که خواهران به امر کارهای فکری و دعوتی زیاد متوجه باشند ، یعنی در پهلوی کار تعلیمی و ، تر بیتی وصنایع دستی ، نقش اساسی را به کارهای فکری و دعوتی بدهند زیرا هر حرکتی که بشتوانه فکری و دارای اعضای متلزم نباشد در آینده نمیتواند نقش موثری را در ساختمان و تشکیل جامعه اسلامی ایفا نماید .

تعدادی از مهاجرین وارد شده از ایران :

مهاجرین باز هم در ایران اذیت میشوند

خبر نگار مجله زن مسلمان در تماس با بعضی خانواده های که از ایران آمده الد مینویسد : مشکلات موجود در رفت وآمد مهاجرین ورویه سرد ونا ملایم مسؤلین انتظامی آنکشور در برابر مهاجرین همچنان ادامه دارد . پایان گرفتن جنگ که در گذشته ظاهراً روی بسیاری نارسایی های ایران در مورد مهاجرین پرده میکشید وبهانه خوبی برای مسئولین ایران محسوب میشد ، تاحال هیچگونه تغییر وتاثیری را درقسمت بهبود وضع مهاجرین نشان نداده است .

خبرنگار از قول مهاجرین مذکور خاطرنشان میکند : صرف نظر از مشکلات رهایشی ومعاشرتی که مهاجرین افغان در ایران با آن مواجه اند برای تنظیم ها وحلقه های جهادی افغانها شرایط کار فرهنگی و جهادی میسر نیست ومحیط هجرت در ایران بخصوص برای زنان ، دشواریهای بیشتری را با خود همراه دارد .

گوشه از فعالیت خواهران تنظیم در درسمالک غربی

گزارش واصله از شهر "یونیون ستی" ایالت کلفورنیا امریکا ، میرساند ، که به ابتکار خواهر محموده «ترین» عضو تنظیم اسلامی زنان افغانستان که قبلاً در کورس تعالیم اسلامی تنظیم اسلام آباد پاکستان مسوولیت تدریس شاگردان مهاجر را به دوش داشتند یک کورس اسلامی برای اطفال افغانی مقیم آن شهر باز گردیده که تقریباً ۸۰ نفر شاگرد مصروف فرا گرفتن دروس اسلامی میباشند .

اخیراً در شهر کسل از طرف تنظیم اسلامی زنان افغانستان مجلسی به کمک خواهران افغان ترتیب یافته بود که در آن تعدادی از خواهران مهاجر اشتراک ور زیده بودند .

هدف از برگزاری جلسه جلب و توجه خواهران به مسائل اسلامی وهمچنان به جهاد بر حق ملت ما که در آستانه پیروزی قرار دارد ، بود . در ضمن فعالیتهای آموزشی وتربیتی تنظیم در پاکستان برای حضار معرفی گردید .

اعلامیه تنظیم اسلامی زنان

در حمایت از شاگردان آی - آر - سی

در پی اعتصاب شاگردان لیسه - آی - آر - سی که بر ضد روابط غیر اسلامی این گونه موسسات صورت گرفت و سبب تعطیل شدن کورس زنانه آن موسسه گردیده تنظیم اسلامی زنان در حمایت از برادران اعتصاب کننده اعلامیه را انتشار داده است :

بسم الله الرحمن الرحیم

ابلاغیه

تنظیم اسلامی زنان افغانستان

نیروهای استعماری ، صهیونیستی و ضبطای جهان در طی این ده سال جهاد افغانستان در مقابل بزرگترین قدرت جهانی روس ، اینرا درک نموده اند که در روبا روئی با این ملت به با خامنه وموهن نمی توانند بر اهداف شوم شان دست یابند . لذا در جستجوی طریق غیر جنگ شده ، کار را از طریق باز نمودن کمیته ها و موسسات مساعدتی ، مراکز تعلیمی و آموزشی وصحی و غیر اسلامی تحت اشراف ومسؤلیت افراد نا مطلوب و مشکوک ظاهر مسلمان ونفوذی از گروهک های الحادی آغاز نموده اند . ومیخواهند بابه انحراف کشانیدن ومغشوش ساختن مسیر وجهت انقلاب ثمره دلخواه ازآن برداارند .

اما غافل ازینکه حال دیگر ملت بقدر کافی از آگاهی ودرک و برداشت ، سیاسی وانقلابی بهره مند شده اند . دیگر دشمنان شانرا در تحت هر نام ، وتنظیم هر مقام ، وهر لباس وشیوه که باشند تشخیص میدهند ودر مقابل موضع و موقعیت وبرخورد انقلابی اختیار میکنند . که اعتصاب وجریانات اخیر متعلمین لیسه T . R . C بازتاب وانعکاس این اصل مهم شمار میرود . استادان ودانش آموزان مدارس تنظیم اسلامی زنان افغانستان در حالیکه این عمل دانش آموزان T . R . C رابه مثابه عمل اسلامی انقلابی تمجید می نمایند - متقابلاً گویاه ابلاغیه هذا همبستگی وهم صدائی شانرا با برادران مسلمان دانش آموز اعلام داشته وامادگی خودرا در همکاری در همچو موارد همکاری . با برادران مومن و مسلمان اعلام میدارند .

به امید پیروزی نیروهای حق بر باطل .

استادان و معلمات مدارس تنظیم اسلامی زنان افغانستان

در افغانستان اسلامی ما برای ایجاد موسسات آموزشی و اجتماعی زنان آمادگی داریم

رئیسه تنظیم اسلامی زنان افغانستان

«یاسر» به سوالات بخش فرهنگی نمایندگی تنظیم در آلمان جهت روشن شدن ذهنیت خواهران مقیم آنجا انجام داده اند و از کست پیاده گردیده است :

« خواننده محترم درین قسمت توجه شما را به متن مصاحبهٔ جلب میکنم که خواهر فاطمه

خواهران مسلمان و هدفمند ـ خواهران با ـرد ودانش ! ما از فاصله های دور از سرزمین هجرت از سرزمین مهاجرین و مجاهدان ـ بیوه ها و ایتام از سر زمین دردها و آرمان ها ، و شهادت ها سلام می فرستیم . از خداوند متعال به شما پیروزی وموفقیت دارین را طلب می نمائیم. ما از خلال سوالات شمادرک کردیم که خیلی از جوا حاکم ناراضی و ناراحت هستید ، شما حق به جانبید زیرا این یک احساس طبیعی انسانی است و توقع و چشم داشتی است که انسان میخواهد در برابر کاری که انجام مید هد پاداش آنرا ببیند و از همین جاست که خداوند ج د ر پهلوی هر عمل خیر پاداش و مکافاتی در دنیا و آخرت وعده مید هد . فراموش نشود وعده ها منحصر به آخرت نیست بلکه می بینیم در همین دنیا هم بشارت می دهد که شما در برابر سعی وکوششتان ، اخلاص و ایثار تان مکافات مادی و معنوی خواهید دید .

ما تا جائی از جریان بی مهری ها ـ بی تفاوتی ها و تحقیر های برادران معزز که الان به سر نوشت این ملت مجاهد و مبارز حاکم شده اند اطلاع داریم ـ د، اینجا ما نیز د ست کمتر ی

از شما نداریم ولی با یک تفاوت کـه در کوره سختی ها و مشکلات و محـرومیت ها همراه با تمامی مظلومیتهای که بـر ما تحمیل نموده انـد آبدیده شدهٔ ایم . لذا ما در جریان این هشت سال کشمکش موفق به خـود ارادیت استقلال و حق تعین سر نـوشت برای خواهران تنظیم گردیـده و از این ناحیه الان کاملاً راضی هستیم. ناامیدشدن و دست از مبارزه کشیدن دردی را دوانمی کند. هیچگاهی در تاریخ زورمندان حق را به مستمندان و زیردستان به رضایت خاطر نداده اند ویا بـا دو دست تقدیم کرده باشند بلکه این انسان مظـلـوم است که با مجاهدت وسعی و کوشش خود با مقابله و مبارزه خواهی حق خود را میستاند .

اینک ما به سوالات شما می پردازیم .

س : چه وظایف را تنظیم اسلامی زنـان در پاکستان به عهده دارد ؟

ج : ۱ تـنظیم اسـلامی زنان افغـانستان از ابتدائی تاسیس پروگـرامهای ذیـل را روی دست گرفته و آن را عملی نموده است :

۱ - بخش تعلیم و تـربیه ۲ - بخش فرهنگی ۳ - بخش تنظیم و دعوت ٤ - بخش کانون امورشهدا و ضایع دستی ۵- بخش مالی واداری

۲ - دربخش تعلیم و تربیه تنظیم . ۴ مدرسه و ۲۲ مرکز تحفیظالقران و سواد آمـوزی باز و بیش از ده هزار شاگرد تحت تربیه اسلامی گرفته شده - و ۵۸۰ زن و دختر جوان به آموزش قرآن و سواد در مناطق مختلف تحت تربیه میباشد ویک دوره از شاگردان صنف دوازدهم فارغ داده ایم .

ما بالای تعلیم توجه خـاصی مبذول داشته ایم و معتقدیم اکثریت پرابلمهای موجوده بین زنان افغان نـاشی از جهـل و عـدم تـربیه سالم آنـهـا میباشد و حتی ما به صراحت گـفته میتوانیم کـه اگر زنان ما از دین خود چیزی ندانند ، هیچگونه تغیری در آینده جامعه مابه شکل بنیادی‌اش بوجود نخواهد آمد .

زیرا زن در گردانیدن چرخ تـربیت بنیادی جامعه مؤثریت قوی نسبت به عنصر مـرد دارد و هم چنان تـربیت سالم زن سنتی افغـانستان وارد نماید که تحت تاثیر افکار اساطیری قرون بسر می برند ازوظایف اولیه تنظیم است .

و در ضمن تعلیم و تربیت اسلامی آنچنانکه ما در برنامه های‌خود روی دست داریم‌می توان‌هم برای زنان و دختران متعهد و آزادمنش و هم برای عناصر بی حجاب‌اثرات مفیدی ببار آورد و تنظیم در ایـن مـورد تـوانسته است کـه بسیار خواهران با تربیه وتعلیم‌راتوجهٔ اشتباهات شان در امور معاشرتها ، لباس پـوشیدن هاو تعین خط مش برای آینده نماید .

الحمدالله خواهران ما با حاضر شدن درحلقه ها بدون جبر و اکراه همه مقررات اسلام عـزیز را قبول و خود از خواهران نیک‌داعیه گردیده‌اند وهمان خواهران متجددوبی‌حجاب‌حالاالحمدالله بهترین مدافع برای حفظ مکتب وعقیدهٔ اسلامی خویش گردیده است .

در اسلام تعالی انسان متعلق بمرد نمیباشد

ما نه تنها در داخل پاکستان به این امر حیاتی توجه نموده ایم بلکه یک سلسله فعالیتها را قبل از تاسیس تنظیم در پاکستان - براه انداختیم که آن تنظیم و دعوت خواهران تربیه و تعلیم اسلامی آنها در داخل افغانستان بوده است. و امروز تنظیم در کابل - پروان - کاپیسا تخار - بادغیس - مراکزی برای تدریس خواهران دارد و همچنان در ایران نیزمدرسهٔ برای کودکان الاث ازچندی به این طرف کار میکند.

الحمدالله درین بخش خواهران شما باهمه مشکلات مادی که گریبانگیر شان میباشد کارهای موثر و بنیادی صورت داده اند که ان شاالله برای آینده افغانستان اثر خوبی خواهد داشت. ما از طریق همین شاگردان تربیه شده و مسلمان خویش در سراسر افغانستان مدارس را فعال خواهیم ساخت و مبارزه پیگیر را علیه جهل که ما در همه امراض است، به راه خواهیم انداخت.

دوم: در بخش فرهنگ: درین بخش نیز خواهران تنظیم با برگذاری کنفرانسها گردهمائی ها پخش اعلامیه و شب نامه، نشر مجله پیام زن مسلمان کار های امید بخش انجام داده اند - و در این بخش توانسته اند که ذهنیت زنان مسلمان افغان مقابله با عوامل استعمار که مثل موریانه دراجتماع ما راه پیدا کرده بیدارو آنهارامتوجه سازند. معلمه صاحبه هادرکمپ های مربوط شان روشنگران خوبی برای سهیم دادن و بیدار نمودن زنان و دختران بوده - و تمام تحولات و رویداد های مهم در ارتباط به انقلاب به سمع آنها رسانیده می شود. تفسیر ها و تحلیل های اجیران مزدور را در رابطه با انقلاب، خنثی میسازند و در ضمن از رخنه نمودن اجانب در بین زنان که به منظور جاسوسی و ایجاد اختلال فکری در بین مهاجرین صورت میگیرد، مانع میشوند.

ما میدانیم بخش فرهنگی در انقلاب از اهمیت بخصوصی برخوردار است هرگاه انقلابی پشتوانه فرهنگی نداشته باشد پیروزیش موقتی و زود گذر است. هر انقلاب به این پشتوانه ضرورت اهم دارد. لذا ما با بیان خط مشی تنظیم در - کوتاه مدت و دراز مدت مردم را متوجه این نکته نموده ایم که زن در جامعهٔ افغانستان نمی تواند موجود عاطل و باطل و یا وسیله در دست این و آن باشد بلکه این عنصر یست سازنده که می‌تواند بزرگ - ترین تحول را همراه با برادرانش در منطقه بوجود آورد. و باید این زن از حصار جهل و بی خبری بیرون شود. الحمدالله اکثر خانواده ها با ما درین موردموافق هستند و حساسیت های سابق به وسیله فعالیتهائی که انجام داده شده از میان برده شده فقط یک تعدادافراد عقده ای وبیمار هنوز در حال هذیان گفتن هستند.

بخش کانون شهدا وصنایع: در این بخش

از نظر اسلام زن بمشابه یک عنصر انسانی تمام مراحل کمال را میتواند بپیماید و حدی برای آن نیست

تنظیم کارهائی انجام داده است که هدفش کمک به خانواده هائی شهدا و احصائیه درست وصحیح از ایتام و بیوه هاست و همدردی با آنها و جلب کمکهائی مادی مثمر می باشد . در ضمن تنظیم توجه به کودکان شهدا دارد تا از کاروان علم و معرفت عقب نمانند و با تشویق های مادی و معنوی اطفال اناث آنها را شامل مدرسه می نمایند ووسایل مدرسه را به ایشان مهیا می سازد . این کودکان با از دست دادن پدر بی سر پرست باقی می مانند و باگذشت زمان از یاد ها فراموش می گردند.خانواده‌های‌هستند که چند قربانی در راه انقلاب داده و مردی از آنها باقی نمانده از یاد برده‌وفراموش شده اند .

کوشش تنظیم بیشتر متوجه چنین خانواده ها میباشد و تا حال بیش از ۳۰۰ خانواده و یتیم ثبت‌نام شده و بعض آنها به موسسات خیریه معرفی و از طریق آنها کمک میشوند در حدود ۴۰۰ خانواده از طریق تنظیم معاونت میشود . و در ضمن لباس ـ لحاف ـ مواد خوارکی ... نیز کمک میشوند به خاطر خوه کفا ئی خانوده ها و بیرون شدن زن ها از حالت بی کاری و ... ضایع دستی را تأسیس واین‌چند موسسه را در پشاور ـ کویته و بعضی کمپ ها بوجود آورده ایم .

این موسسات علاوه بر آموختن حرفه به خواهران ، مشکلات اقتصادیشان‌را تاحدودی‌رفع ومراکز سواد آموزی و آموختن قرآن درین کورسها جریان دارد ـ و هر شش ماه شاگردتربیه و فارغ میشوند که هم در بخش سازماندهی زنان ودختران این موسسات مفید تمام شده و هم در بکار انداختن نیروی جسمانی زنان در جهت همکاری اقتصادی به خانواده ها . از تاریخ این کور سهاو موسسات پنج سال میگذرد الحمدالله در اکثر کمپ های نزدیک‌موفقیت های متوجه زنان گردیده است . و(۸)دوره شا گرد تربیه و فارغ گردیده است. بیشتر کارگران از خانواده هائی شهداء و مجاهدین میباشند .

۴ ـ ارتباط داخل و خارج : ـ درین بخش فهز کارهای موثر انجام داده که ارتباط با خواهران مسلمانان خارجی و خواهران مسلمان افغانی مقیم خارج تأسیس نمایندەکی ها و معرفی چهره زن‌انقلابی و مسلمان افغانستان در خارج و همچنان سهم زنان ما در انقلاب اسلا می افغانستان می باشد و در داخل حلقه هائی خواهران تشکیل‌هاوبابرادرن مسلمان دوش بدوش کارهائی نظامی و فرهنگی و اجتماعی را انجام میدهند .

س : ـ آیا تنظیم تنها به خود اتکا نموده و یا اینکه از طریق منابع دیگری کمک میشود .

ج : - تنظیم از ابتدا بوجود امدنش در پاکستان و حتی افغانستان تا حدودی به خود متکی بوده ولی در ضمن فقط تایدات مادی و معنوی برادر معزز و نستوه انجنیر صاحب حکمتیار را همراه داشته است .

و همچنان برادران آگاه و هدفمند ، آنهایکه از موقف زن در اجتماع آگاه اند و میدانند زن عنصریت سازنده و باید سهمی در تعالی و ترقی جامعه داشته باشد و پایگاهی اجتماعیش حفظ گردد آنها با تنظیم همکارند و برادرانیکه ذهنی گرا و از عینات دوری می گزینند . و سطح فکر محدود و بینش کم دارند مخالفت های مینمایند که البته این مساله تا زمانی نیست . هرروند انقلابی در مسیر حرکتش با چنین موانع و مشکلاتی بر میخورد ، که در جریان برخورد با آنها به راه خود ادامه میدهند و انشاء الله خواهران با کار و مبارزه پیگیر رابرای دعوت و جهت بخشیدن به زن مسلمان افغانستان در مسیر اسلامی ادامه خواهند داد . ومشکلات را از سر راه خود خواهند برداشت .

ما از جریان بی مهری ها بی تفاوتی ها و تحقیر های برادران معزز که الان بر سر نوشت این ملت مهاجر و مجاهد حاکم شده اند، اطلاع داریم ... مادر کوره مشکلات و مظلومیتها آبدیده شده ایم .

س : - زنان چه وظایفی را فعلاً انجام میدهند و چه امکانات برای کار موجوده است تا بتوانند برای تقویه خود و تنظیم پولی بدست آرند ؟

ج : زنان در بخش های که قبلاً ذکر نموده ایم کار می نمایند . و امکاناتی که در اختیار داریم در حدودی نیست که جواب گوی تطبیق پلان ها و آرمان های ما باشد . در این بخش تعلیم وتربیه امور شهداء و ضایع دستی فرهنگی . . . ما ضرورت به مساعدت هائی پولی خواهران و برادران مسلمان وعلاقمندان به جهاد افغانستان را داریم . وکمک هائی که از منابع برادران و خواهران مسلمان و بعضی موسسات میشویم نا چیزاست . بخصوص در حصه تاسیس مدارس بیشتر در تمامی کمپ ها و همچنان در داخل افغانستان ما ضرورت به پول داریم - و تنظیم وابستگی به برادران ندارد - وخود امور خود را مستقل پیش می برد .

س - آیا در آینده تنظیم درها را بروی خود باز می بیند یا اینکه هیچ آیندهٔ نخواهد داشت ؟

ج - ما بیشتر هم گفتیم . حق چیزی نیست که دیگران بما بدهند و این ما هستیم که باید با مجاهدت ومبارزه خویش حق خود را ازدیگران بدست آوریم . از جانب دیگر نیمه از نفوس افغانستان را زنان تشکیل داده اند نمی توان این نیمه پیکر یک ملت را به خاطر تعصب فلج نمود . و ما به آینده مطمئن هستیم و زمینه های رشد فکری با تعلیم و تربیه دختران مسلمان و مهاجر در سطح پاکستان آماده شده - اینها هستند که آینده افغانستان را در دست خواهند گرفت و انقلاب را به پیش خواهند برد و ما آینده را روشن می بینیم . مادر دراز مدت برای احقاق حقوق اسلامی زنان پلان‌های داریم در ص (۴۴)

برخورد نقادانهٔ با انتخابات اخیر پاکستان

بااانتخاب بی‌نظیر بوتو به مقام صدارت پاکستان انتخابات پاکستان برای مجامع خبری موضوع جالبی بود . دراین انتخابات حزب مردم پاکستان (۹٤) کرسی رادرشواری مرکزی پاکستان بدست آورد واحزاب ملی ولیبرال که متاسفانه‌بابعضی گروهای اسلامی نیزظاهرآدرائتلاف بودند ازحزب بینظیر بوتو شکست‌خوردند .

مسئله جالب توجه دراین جاتحرک وعلاقمندی زن پاکستان به‌موضوع انتخابات بود . زنان درفعالیتهای انتخاباتی نقش‌زیادی‌داشتند دربعضی حوزه ها صفوف زنان‌بیش ازمردها توجه مردم رابخودجلب‌میکرد . اماموضوعیکه انتخابات پاکستان راکاملاً وعلاقمندی زنان رادراین بخش

بسیاری زنان مسن وضعیف نیزدر انتخابات حاضر شده بودند .

کار اتحادی جمهوری دربخش زنان خیلی ناچیز بود این خلاء زمینه ای رادردست مخالفین دادتاحمایت زنان رابطرف خود جلب نمایند .

موضوعیکه
انتخابات پاکستان رکلاً وعلاقمندی
زنان راخصوصاً زیرسوال میبرد
برخوردسطحی ومادی گرایانه با
مسئله انتخابات بود .

مخصوصاً زیرسوال میبرد ، برخوردسطحی وکاملاً مادی گرایانه با مسئلهٔ انتخابات بود .

اکثریت کاندید های انتخاباتی باصرف مبالغ هنگفتی که معلوم نبود ازچه‌مدارکی فراهم میکردند درجلب آراء مردم بمسابقه پرداخته بودند . حس « تکاثر » وخودبینی هدف اصلی انتخابات رادر میان ناپدید ساخته بود . درواقع خود انتخابات اصل وهدف شده‌بود واین سوال که انتخاباب برای کی‌وبخاطر چی ؟ دنزد اکثریت قاطع رای دهندگان مطرح نشده بود . رول‌عقیده وائدئو لوژی درتعیین وتثبیت کاندیدا مساوی به‌هیچ بود . بسیاری احزاب به‌لحاظ‌نفوذقومی‌واستطاعت‌مادی،کاندیدهای خودرا معرفی میکردند . بطور مثال افرادی باقیافه کاملا غربی واروپائی ازطرف گروهی مانند جمیعت علمای‌اسلام‌برای احراز کرسی انتخابات نامزد شده بودند وبسا افرادیظاهر متشرع‌واسلامی رامیدید که ازجانب‌یک گروه نشنلست ویاسو سیالست کاندید وکالت‌بودند .

چون موضوع انتخابات شکل کاسباله و کالتی راداشت لذا واضح بود که بردوباخت وکاملا متناسب به‌اندازه کیسه آنهابود . « نوای وقت » درگزارشی‌ازقول یک مرکز صحی درشهر ملتان نوشت که یکعده زیاد کاندیدهای شکست خورده انتخابات اخیر پاکستان دچار تشنجات روانی وعصبی شده‌اند ، که این خود دلیل عمده‌ئی برای مادی بودن وغیر فکری بودن انتخابات میشود .

به‌این ترتیب نتیجه گیری کلی و عملی این است که اکثریت زنان پاکستان مثل بسیاری رای دهندگان مرد گرفتار مهلکه (انتخابات برای انتخابات) شده بودند وحرکت فکری زنان دراین بخش ، خیلی ضعیف وناچیز به نظر میخورد . فکر میشود اظهار عقیده یک مبصر غربی که گفته بود "رهبران سیاسی پاکستان فاقد ایدئولوژی هستند" درمورد برداشتی که‌زنان پاکستان ازمسئله انتخابات

در ص (۳۵)

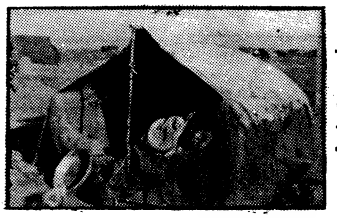

خواب طفل و مشکلات مربوط به آن

پرابلم ها و مشکلاتی‌را که بعضی از اطفال قبل از دوره مکتب ، قبل ازخوابیدن انکشاف میدهنده‌به اندازه مهم‌است که باید بهر صورت ممکنه حل گردد . مشکلات خوابیدن در اطفال معمولا مناز عات راباین طفل و والدین خلق مکنند . از یکطرف طفل میخواهد تا خلاف میل والدین عادت ناپسندیده را که انکشاف داده است هم چنان حفظ نماید و از طرف دیگر والدین میخواهند تا آن عـادت از بین برود . مهمترآنکه‌اگرمشکل حل‌نگردد بهر د وجانب زیان بخش تمام میگردد . طوریکه طفل بالاسلط و غلبه جویی به والدین احساس تشویش مینماید ، والدین از تسلیم شدن احساس گناه‌و حقارت میکنید پرابلم های معمول خوابیدن در بعضی از اطفان بدو نوع میباشد که عبارت اند از مقاومت در برابر خوابیدن و گشت و گذار شبانه .

مقاومت در برابر خوابیدن :

اطفال تا سن ۲ و ۳ ماهگی طبیعتا خواب منظم ندارند اما بعد از این سن عملیه های فزیولوژیک طفل شکل منظم تری را اختیار می کند و طفل باید که بصورت منظم بخوابد . اطفال دو ساله و بالا تر از آن این قدرت را دارند که حتی دو ساعت بعد از رفتن به بستر خود را بیداربدارند . همه اطفال بصورت عادی همین که در بستر قرار گرفتند بخواب نمیروند.اگر اطفال کوچکتر باشندگریه‌میکنند و والدین را به بستر می طلبند ، اطفال بزرگتر به بهانه های مختلف مانندآب خواستن تشناب رفتن و قصه شنیدن‌پدر و مادر را صرار مینمایند و نمی‌خواهند بخوابند . در بسا مواردابن عکس‌العمل از جهتی نبارزمی کند که‌ممکن است‌سایر اعضای خانواده بیدار با شند و طفل‌می خواهد تا با دیگران یکجا به سر برد در چنین مواقع کوشش والدین برای تشویق طفل به خوابید ن اکثرا بی‌نتیجه میماند .

ترس از تاریکی و تنهائی نیزسبب میشود که طفل به خواب‌نرود . بعضی از اطفال از اینکه در اطاق تنهاوتاریک به خوابیدن سوق داده میشوند ، عمداً خودرا بیدار نگه‌میدارند . اطفال‌کوچکتر همینکه به بستر رهنمایی شدند گریه را سید هند . مشکل‌مقاومت دربرابر خوابیدن اگر حل نگردد ممکن است‌هر شب اصرار والدین و مقاومت طفل تکرار گرددو باید که اینگونه مشکلات هرچه زود تر از بین برود .

طفلی که خسته است ، طفلی که می خواهد هنوز هم بیدار باشد و با خواهران و برادران خود بازی نماید نباید جبراً به خوابیدن سوق داده شود زیرا همینکه طفل احساس نمود این عمل والدین از نارضایتی آنان ویا از خشم آنان نسبت به او ناشأ گرفته است دیگر جلوه و لذت طبیعی خواب از نظر طفل‌زایل‌میگردد .

بعضی از اطفال از جهتی در برابر خوابیدن مقاومت نشان میدهند که آنها می خواهند با مادریکجاخواب نمایند . بعضی از مادران به این موضوع که طفل یکجا بخوابد اهمیت را قایل نمیشوندلذا پرابلمی‌بوجود نمی آید . اما باید طفل را به‌تنها خوابیدن عادت‌داد زیرا هم طفل به خوابیدن‌احتیاج دارد و هم والدن به دوری از وی . زیرا اگر طفل یکجا با والدین خوابیدن را بصورت یک عـادت انکشاف بدهد این عادت ، را تاوا پسین مراحل دوره طفلی نگه میدارد .

اگر طفل به جهت اینکه خـود را بیدار نگه دارد از وسیله گریه استفاده نمایدآسانترین طریقه رفع این‌مشکل او آن است تا به گریه او توجه نشان نداد . وقت رفتن‌به بستربابد معین باشد وطفل هر شب سر ساعت مذکور به‌بسترراهنمائی شود .

خواب های روزانه نیز باید در موقع معین صورت بگیرد و طفل نباید در

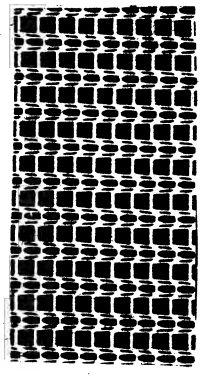

خواب‌های روزانه‌نیز باید در موقع معین صورت بگیرد و طفل نباید در ساعات اخیر روز بخوابد زیرا خواب شبانه او اخلال میگردد

به آنهایی که نهضت اسلامی را درک نکرده‌اند و میخواهند بخارج بروند

خواهـرم! برادرم!

ت ـ ارامیا بی

واستش رابخواهید ، من از اینکه شما در آن دیار غربت دق بکنید وبا ایـن‌همه وزن و اصالت از نگاه های سبک ومنت انگیز دیگران دررنج شوید ، اندیشه دارم .

بلی اینکه طبعی است :

شما اگردرمدینه خالی وخیالی تمدن از زبانها نشنوید ، این حرفهارا درشت ومجسم بر لوایح چشم ها خواهید خواند :

هان ! اینهارمیده شهرخورشیداند ؟ ! عجب! !

اینجا آمده اند برای چه ؟ برای ـ کار ، برای ، درس ، نه ! ! اگر اینها «اهل کار» بودند جوهر «معنی» رابه بازیچه «هوا» در معامله نمیگذاشتند واز مدرسه «عشق» ومکتب «زندگی» در نمیرفتند .

اینها پاسدارت دوستی نیستند ـ اینها خواهران کوچک وبرادران معیوب وبرهنه شانرا ، اینهامادر قامت خمیده وپدر مظلومشانرا در توفان «سرخ» ودر بیابان «سیاه» وسوزان تنهاگذاشته اند .

اینها از آن همه خون وخرابی نشانی ندارند و از گلستان «رحمت» ومروت گلی نیاورده‌اند .

اینها از مادور کنید که در این سردی «سرد» بر ما سایه نکنند و باظلمت شان ظلمت کده مارا سیاهتر نسازند .

آری خواهرم ! آری برادرم !

چاره ای نیست . این حقایق تلخ تنها میزبانانی هستند که شمارا درهمه جاهمراهی میکنند و در هر «فرودگاه» ، به استقبالتان می آیند .

پس فکری کنید ، ولی خواهش میکنم باعمق فکر ولی مداخله نفس ! من بارقه امید و حرکت راکه اینک در ناصیه گشاده تان روشن میشود ، مشاهده میکنم . یا الله ! بازهم بهندیشید وزورق شکسته افکارتان را در امواج خروشان اشک واحساس رها کنید .

ممنونم خواهر ! ممنونم برادر !

من از شعله «سبز» ودل انگیزی که اینک ریزه های «ویرانی» تانرا در هم پیچیده است حس میکنم ،

دربرابر شهامت و تصمیم بزرگ تان ، در برابر میثاق تازه و خروشان تان به‌احترام می‌نشینم وبرای سعادت تان دست دعا بالا میبرم .

برادر مهاجرتان پشاور
قوس
۱۳۶۷

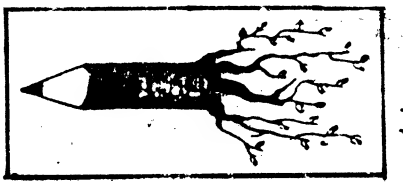

مادر

ارسالی «شمیسا مقصودی»

ای مادر چه سان از محبت و عطوفت تو ستایش کنم که با زبان یارای گفتنم نیست. چگونه تشریح نمایم مهربانی‌ات را! دویدا که قلم با ترکیب الفاظ و کلمات و زیباترین عبارات در مقابل عشق ومحبت تو در حیرت اند.

ای مادر! قلم واندیشه من توان توصیف تراندارند. نه تنها من بلکه موشگافترین شعرا، قلم بهترین نویسنده گان. ماهرترین خطبا وعقل بزرگترین فلاسفه در مقابل مقام والای تو از حرکت باز میماند. وتو بهترین وبرترین موهبت الهی بعد از انبیاء واولیا هستی، و چه مهربانی مادر! که پروانه وار برگرد شمع جمال فرزندت میسوزی وشیرهٔ جانت را بهآن مینوشانی. درسکوت شب که همه به خواب شرین فرو رفته اند تو بیداری و بر طفل کوچکت لالائی میگوئی و چشمان معصوم مهربان تو نمی یاسایند تا فرزند دلبند تو بیاساید. در دل سیاهشب آوائی ملکوتی ورو حپرو رتو ر دل می‌نیشیند. آغوش‌تو بهترین پناهگاهست. وصدای تک تک ب‌ب‌تو، آرامشی است‌برای فرزندت. فرزند تونهال کوچکیست که با اندک نسیمی میلرزد و به پرستاری تو محتاج است.

ای مادر! ای عزیز ترین من. مرا پروریدی تا قامت رسابت خمیده گشت و چشمان پر فروغ تو از فروغ ماندند. و گیسوان سیاه تو به سفیدی گراید. چهره من رنگ شادابی وجوانی گرفت‌و گرخسارتو خزانزده و پژمرده شد. آری ای مادر! همان وجود تو رایحهٔ گلهای بهاری را دارد.

دیگر ای مادر: نوشمع‌شو تادرپایت پروانه‌وار بسوزم وگل شو تا بلبل وار در اطراف گل جمالت غزل سرایی نمایم.

آری مادر! ترا می‌ستایم وبرایت غزل‌ها می‌سرایم‌تو شادزی تا من شاد باشم.

د تاریخ څرخ شاته راغی

عجیبه ابتلا ده په مسکو کښې وا و یلا ده

روسان په‌کوندو شوی په نړۍ کښې ئې غوغاده

تره‌کی به ویل دا د خلفیانو سور سیلاب دی

په وراندی ځی روان دی د تاریخ یو نوی باب دي

په‌شاتګ زمونږ نشته چې ترخنګ‌سورګاوندی‌لرو

حکومت دیمکراتیک دی دا دثور انقلاب دی

عجیبه ابتلا ده . . . . . .

ارمان موسوسیالیزم دی په دي لاره روان یو

داربیرونه هیڅ کله څکه مونږ روشن فکران‌یو

زاره مناسبات به د ټولنی نه دیر ژر ورک‌کړو

لینن مو ستر رهبردي مونږ دهغه پیروان یو

عجیبه ابتلا ده . . . . . .

اشرار اواخوانیان به دیرژر ورک‌کړم له وطنه

که چیرته ئې پیدا کړم سربه ئې غوڅ کړمه له‌تنه

نا څا په د تاریخ‌څرخ په شا تللو ته مجبور شه

تره‌کی پلۍ با لښت شو هم بې گوره بې کفنه

عجیبه ابتلا ده . . . . .

حفیظ به هم ویل چې تاریخ نه دروسی په شا

ارمان به می پوره شی یا به نن وی یا سبا

حتماً به سو سا لیز م زه پخپله جو ړه وم‌ه

اشرار به زه ژمی ورک‌کړم شوروی‌مل دی‌زما

عجیبه ابتلا ده . . . . .

د تاریخ څرخ یاپه دي وخت‌کښې راتم شوو

په خلقی د یمو کرا تیک گوند جوړ ماتم شو

د د وستانو ته حملی لاندی حفیظ شو

د تاریخ کند ي ته ولو یدہ تور تم شو

عجیبه ابتلا ده . . . . .

کارغل چې کله راغی د روسانوپه دولی‌کښې

جیب وردک

خو کان‌ورسره راغلل‌یوزوړ جورشوه‌نړۍ کښې
اخطار ئې ورکړ تولو مسلمانو د ملت ته
له ماسره‌سورپوخ‌دي ستاسوهیڅ نشته‌خولې کښې
عجیبه ابتلا ده ....

چې شروع به شوی خبری کله‌کله جنیوا کښې
روسانوبه حمله‌کړه‌اوربه‌ئې‌بل‌کړشاوخوا کښې
زمونږنوم تغیروکړمخالف!!!اوافراطیون!!شولو
نورورانديې‌کله‌تلای‌شی‌د‌تاریخ‌څرخ دې‌ږیدیاکی
عجیبه ابتلا ده . . .

نجیب چې کله راغی نازیده دیر پخیل خا د
ویل ئې چې څم ورانديافراطیون به‌کړم‌برباد
خودیرژرپه‌ځان‌پوهشوچې‌څرخ‌نه‌درومی‌په‌ورانندی
سازش ته آماده شو خو بندیان ئې کړل آزاد
عجیبه ابتلا ده .....

ناري سوري ئې پیل کړی چې زه خو مسلمان یم
ترمیم د جوماتو کړم زه په دې لاره روان یم
زمونږ نوم‌یاتغیروکړ مره ور !!! او خفه‌ورونه!!!شوو
روسان له ملکه باسم زه اصیل زوي د افغان یم
عجیبه ابتلاده .....

دا بله سپکه گوری د نجیب شوکت تباه شو
تسلیم چې مجاهدو ته ئې ورور صدیق الله شو
روسان ورته په قهر او په ده ئې اعتماده شول
له خپلو شرایطو نو ئې «عصمت» ورته بلا شو
عجیبه ابتلا ده .....

او س وائی څان خبر کړی ماونه بولی ملګری
زما کوند کمونست نه دي نه یم زه په دې لارتللی
خفه ورونه که غواړي زه خبرو ته چمتو یم
او دا خو نه وایی چې میدان مې دې ښایللی
عجیبه ابتلا ده .....

به تکریږ حق پاڅون

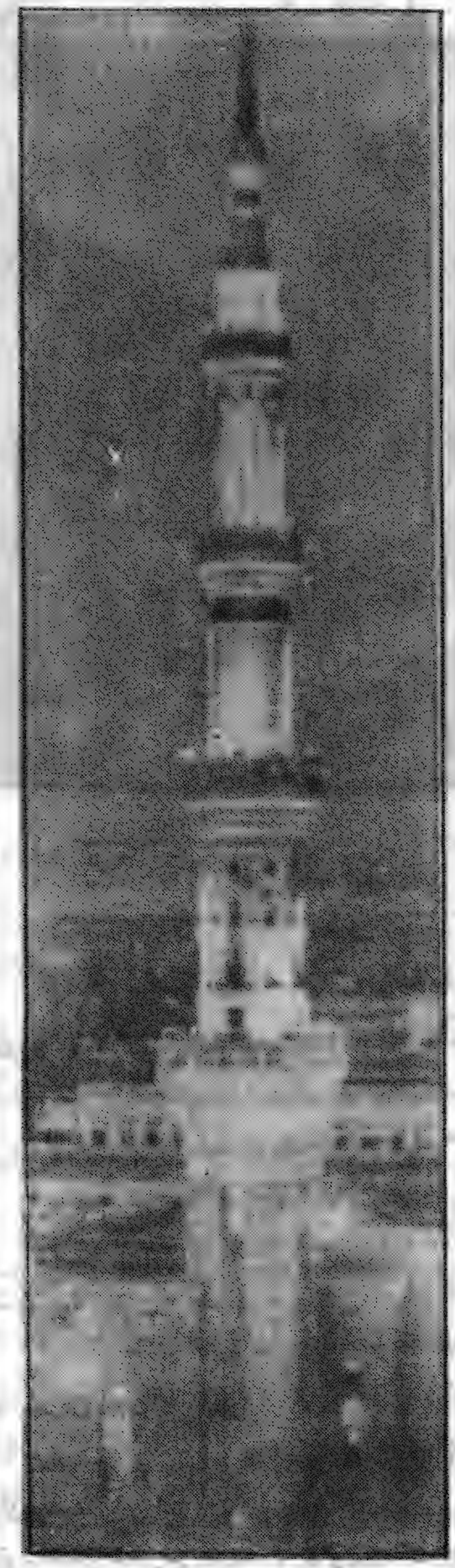

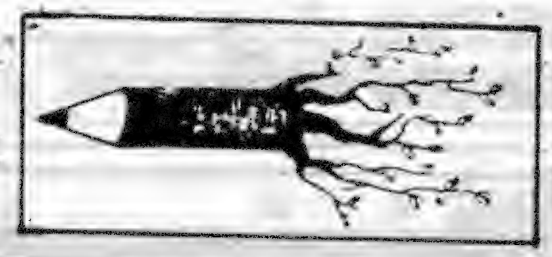

مرغ مهاجر

ازبهار خوشم میامد ، ازگلهای زیبا وقشنگ آن ، از نسیم فرح بخش و خوشگوار آن ، ازقطرههای مسلج وآهسته آهسته باران آن
از پرندههای زیبا و خوش الحان آن
از بلبل های گریبان دریده شبههای هجران آن
خلاصه از همه چیزهای بهاری خوشم میامد
روزی بهتماشای آن به باغ سرزدم ، اماافسوس بهار رنگ دیگری داشت همه چیز به نظر سرخ میخورد به رنگ خون
از یک چشم قطره سرد الد و د اشک آهسته بررخسار زرد هجران دیدهام ریخت .

نگاه کردم بهشاخ های پرشکوه وپر گل درختان تاباشد لحظه از آن لذت ببرم اما دیدم مرغک کوچک و پریشان را که از یک شاخ به شاخ دگر می پرید . بهار پریشان بود مثل اینکه آشیانهاش راکسی ویران کرده باشد.دلم سوخت ازچشم دیگرم اشکسرخرنگ به سان خون فروریخت به خاک زمین یکسان شد .

گفتم : چرا

این چنان ، آهسته ، آهسته فرومیریزید مرا پیش از پیش اندوهگین میسازید ، گفتند: ببین به حالخود که تو هم چون مرغک مهاجری .

بین که بهارت گل ندارد و گلهایت رنگ ندارد...

آنگا فریاد کشیدم :

منم مرغک شکسته بال مهاجر
منم دخترک پژمرده حال مهاجر

« خواهر جینا از شفاخانه هلال احمر کویته »

قدسیه
مدنی کاشانی

زیر تیغ عشق

ای خوشا در کشور دل عشق جانان داشتن
امروفرمان خدا را ، بردل وجان داشتن
در گلستان جهان سرمایه عمر عزیز
در ره آسایش خلق پریشان داشتن
باخلوص ودیده گریان سحرگاهان چوشمع
باخدای لایزال اسرار پنهان داشتن
یارو وکاخ وبزم سلطان زارها کردن بهزهد
نغمه های عاشقی درکنج زندان داشتن
ملک جان راوا رهانیدن زچنگ اهرمن
مرغ نفس بوالهوس در بند ایمان داشتن
چون ذبیح الله روان گشتن بهقربانگاهعشق
زیر تیغ عشق حق رخسار خندان داشتن
چون حسین بن علی درعرصه عشق وجهاد
جان شیرین رانثار راه جانان داشتن
« قدسیه » دارد تمنا ازخداوند جلیل
همچو پاکان قلب سوزانی زعرفان داشتن

فلسفه اسلامی و مارکسیزم

با برخی از ویژگیهای مکتبهای الهی ومادی آشنا شویم .

مکتبهای مادی دربرابر مکتب الهی قرار گرفته‌اند ، وبایکدیگرخصومت‌آشتی ناپذیری‌دارند .

فلسفه الهی معتقداست که جهان خروشان هستی ، مخلوق و آفریده‌خدای دانا وتوانائی است که ماده جهان راروی نظام علت ومعلول‌و این که هر پدیده‌ای دردل طبیعت ، علت طبیعی دارد و مجموع مخلوق خدا است ، آفریده است وبه آن ، آنچنان قدرت ونیرو بخشیده است که در طول‌زمان تحولاتی را بپذیرد ، متکامل گردد . از نظر فلسفه الهی ، جهان آغازی دارد وپایانی وانسان وجهان برای هدفی آفریده‌شده‌اند ، درحالیکه تمام مکتبهای مادی در دیگر مسایل جز نظام علت و معلول با این مکتب در دو قطب مخالف قرار گرفته اند.

اینک به ویژگیهای کلیه مکتب‌های مادی که در حقیقت ، قدر مشترکهای است اشاره می کنیم :

الف ـ هستی مساوی با ماده است

مکتبهای مادی ، وجود وهستی رابا ماده و صورت منبسط‌آن رایا«انرژی»مساوی‌وبرابردانسته‌اند وبی‌گویند : درجهان‌عینیت وتحقق‌جزمادچیزدیگر وجود ندارد ، و هرچیز غیر مادی در نظر آنان با عدم و پوچی مساوی است . اگراین گروه را مادی و ما دیگرا ، می‌گویند ، مقصود اینست که‌در نظر آنهاتنها فقط ماده اصالت دارد و بس‌موجود غیر مادی اندیشه وپنداری بیش نیست . اندیشه نفی هر نوع موجود غیر مادی ، چیزی نیست که‌درین سه‌قرن عنوان شده باشد بلکه اصولا مکتب های مادی‌در هرعصری روی این اصل استوار بوده است و در میان فلاسفه یونان باستان گویا شخصیتهای نادری به این اندیشه‌گرایش داشته اند .

ولی باید توجه نمود که‌در تمام نو شته‌های مربوط به این مکتب یک دلیل هم نمی توان بر نفی موجود غیر مادی یافت . بلکه غالباً این‌گروه اشتباه خودرا از دوراه توجیه میکنند :

۱ - نیافتن را گواه بر نبودن می گیرند و یکی از خطاهای معروف در میان این گروه همین اصل بی‌اساس است که عدم الوجدان را گواه ، بر عدم الوجود وبه تعبیر روشن‌تر : نیافتن را دلیل بر نبودن میگیرند .

۲ - اساس داوری‌های این گروه‌را ، تجربه و آزمایش تشکیل می دهد و هر چیزی که آزمایش از عهده‌آن برنیاید درنظرآنان ، باعدم مساوی‌است.

آنان جهان‌بینی فلسفی رابا جهان بینی علمی اشتباه‌کرده‌اند، درحالیکه ابزارجهان‌بینی‌فلسفی‌وسیع تر از تجربه وآزمایش است .

این علم است که فقط بر تجربه و آزمایش تکیه میکند نه فلسفه ، درصورتی که فلسفه مسایلی را مطرح می‌کند که هرگز نمی‌توان درباره آنها ، از طریق ابزار علمی (آزمایش) تصمیم گرفت ویکی از آن مسائل ، تقسیم وجود به‌مادی و مجرداست که علم با ابزار محدود خود نمی تواند آن را اثبات و یا نفی کند .

اصولا آزمایش وآزمایشگر وآزمایشگاه در باره بود ونبود چیزی میتواند قضاوت کند که واقیعت و حقیقت آن شئی ، با ابزار علمی ، سنخیت ومنا - سبت داشته باشد ، ولی هرگاه حقیقت چیزی که در پی بود ونبود آن هستیم ، به‌گونه‌ای باشد که بر فرض تحقق داشتن تشخیص آن بوسیله آزمایشگاه امکان پذیر نباشد در چنین صورت آزمایشگاه نمی- تواند درباره ثبوت نفی آن قضاوت وداوری کند .

سنخ موجود غیر مادی ، حقیقت موجود پیراسته ازماده وانرژی ، پیراسته از تجربه وتقسیم پیراسته از لمس و رویت ومشاهده بگونه ای است که با آزمایشگاه تناسبی ندارد که فرد کاو شگر ، خود آن شیء یا اثر آنرا مشاهده کند . آن کس که میگوید من زیرچاقوی تشریح‌بدن انسان ، روح اورا مشاهده نمی کنم ، ویا درجهان هستی ، خدا و فرشته رانمی‌بینم متفلسف عوام‌زادمای است‌که می‌خواهد همه چیزی رابا حواسی ظاهری لمس‌کند درک‌وباابرازمحدود ، هستی‌نامحدود رادرک‌نماید .

این گروه اگر بخواهند با واقعیت‌ها بیشتر آشنا شوند ، باید از لاک‌خود بیرون بیایند وبا براهین ودلایل اقسام وجودوهستی به‌مادی و مجرد آشنا گردند ، وسرانجام ازتقسیم هستی به مجرد و مادی که ابزار دیگری غیر ازآزمون دارد ، واین گروه ازآن‌غافل‌هستند،آگاهیهای بیشتر بدست‌آورند.

ب - جهان مخلوق تصادف است

کتاب هستی به‌عقیده فیلسوف‌الهی ، مخلوق خدای دانا وتوانا است که‌تمام حروف وسطورآن به‌اراده حکیمانه اونوشته شده‌است‌وبرای این کتاب آغازیست که به‌خدا منتهی‌می گردد ، وپایانی است که‌باقیام رستاخیز به آخر می‌رسد در حالیکه کتاب هستی درنظر یک‌فرد مادی ، بسان کتابی است که‌اول واخر آن افتاده‌باشد نه‌آغاز آن معلوم است ونه‌پایان آن ، واگر نظام و ناموسی بر آن حکومت می کند ، این نظام ازروی اتفاق و تصادف بوده‌است‌وبراثر انفجارماده نخست ، بدون

←

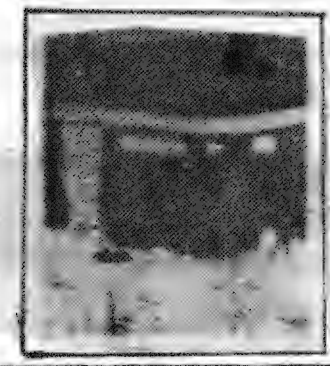

دخالت قدرت بالاتری به‌این صورت در آمده است ما فعلا کارنداریم که‌آیاتصادف‌وانفجار ماده نخستین می‌تواند یک ملیاردم‌نظم کنونی جهان را بیافریند یا اینکه نظم‌جهان ، گواه بر مداخله عقل بزرگ و قدرت بزرگ می‌باشد .

همچنان کارند اریم که آیا ماده حارث است ویا قدیم، اگر حارث است،پدیدآرنده آن کیست ؟ واگر قدیم است چگونه از قدرت ماده وحشت‌نمی کنند ، اماهرموقع گفته میشود این جهان مخلوق خدای قدیم است فوراً می گویند : قانون علمت صد در صدد محترم است و تخصی برادر نیست وطبق آن باید هرموجودی علتی داشته باشد ،پس علت‌وجودخدا(ج) چیست ـ و آفریننده او کیست ؟ در صورتی که‌خدا وماده جهان بر فرض‌قدیم بودن دراین‌سوال‌مشترک ویکسان‌می‌باشند ، چگونه قدیم بودن ماده رامی پذیرند ، ولی در قدامت خداشک و تردید دارنـد .

ما فعلا کار به این اشکالات نداریم هدف‌طرح عقاید طرفین وارائه مشخصات دومکتب می باشد.

راسل فیلسوف انگلیسی‌نخست‌الهی‌بود ، وی به‌خاطر چنین پنداری ، به بادیکری گرایش پیدا کرد و خلاصه پندار او این است اگر بگویم‌جهان‌خدائی دارد ، درین صورت باید قانون علیت را بشکنیم درصورتیکه قانون علیت قابل شکستن ویاتخصیص برادارنیست زیرا اگر بگویم جهان خدائی دارد در این صورت باید بموجودی بدون علت معتقدگردیم و چنین اعتقادی ، شکستن قانون(علیت) است .

این فیلسوف با تمام زیرکی ، با کرایش خود به‌سا دیگری از باران‌به‌زودان‌پنا برده است زیرا عین سوال درمکتب مادیکری نیز مطرح است وماهرگاه ماده‌جهان را قدیم بدانیم دراین‌صورت به موجودی معتقد شدیم که خالق و آفریننده‌ای ندارد و در هر

مارکسیزم

بعقیده‌خود کلی‌ترین قوانین جهان را کشف کرده‌است ولی‌هرگز قوانین کلی حاکم‌بر فکر و جامعه‌را متوجه‌نشده‌است .

حال ، الهی ومادی بایدبه‌یک‌موجود قدیم بالذات که نیازی‌به آفریننده ندارد ، معتقد شوند .

ج ـ برای جهان خلقت انسان هدفی نیست

از ویژگیهای مکتبهای مادیگری این است که برای جهان ، وخلقت انسان هرنوع‌هدفی رانفی می کنند ؛ هدف داری ازشاخه‌های اعتقاد به‌خدای دانا وتواناست که‌با اراده حکیمانه خود ، جهان‌و انسان را آفریده است واگر درصفحه هستی چنین خالق وآفریده‌ای نباشد وفقط انفجار ماده نخستین و تصادفهای‌پیاپی که هرنوع شعوروادراک پیراسته است نقش آفرینشگری رابر عهده داشته باشد .

درین‌صورت ، سوال‌ازاین که جهان و انسان برای چه آفریده شده اند کاملا غلط ومنفی خواهد بود .

لذا در مکتب الهی که جهان آفرینشگری مانند خدای‌توانا ودانا وحکیم دارد ، طرح چنین سؤال کاملا مورد دارد ، و قطعاً برای هستی ، هدف و

غرضی در کار است . البته‌معنی هدف این نیست‌که خدا به آفریدن مانیازی داشت وازاین طریق ، از خود رفع نیاز کرد وبه عبارت کوتاه تر : رفع نیاز از خدای آفرینشگر نیست ،بلکه‌رفع نیاز از مخلوق و سوق دادن او به کمال ممکن است .

د - هیچ نوع مراقب وحسابی درکار نیست

درجهان‌بینی مادی که‌هستی کور و کراست وچشم‌بینا وگوش شنوائی در آن وجود ندارد .برای اعمال نیک و بد انسان در متن خلقت ، حساب‌و کتابی درکار نیست ، و جهان ماده در برابر اعمال انسان هیچ نوع واکنش از خود نشان‌نمی دهد . در درصورتیکه در جهان‌بینی الهی همه ذرات جهان اعم از جاندار و غیرجاندار هم ازعلم‌و و شعوربخصوص‌آگاهند و هم خالق جهان ، برای ضبط اعمال او حساب و کتابی باز کرده است .

ه - جهان فقط علت مادی دارد

همگی میدانیم دانشمندان الهی ، براساس‌هر پدیده‌ای مادی چهار علت‌معرفی میکنند که‌بادرنظر گرفتن مجموع این علل ، تحقیق پدیده ضرورت‌پیدا میکند این چهار علت عبارتند از :

۱ - علت مادی مانند چوب برای‌ساختن در و پنجره و چوکی .

۲ - علت صوری مانند اشکالی که پنجره و در چوکی به آن‌صورت ساخته میشوند .

۳ - علت فاعلی .

٤ - علت غائی‌یعنی هدفی که برای‌آن ، این درها ساخته میشود . البته‌این مثال به‌نوعی‌میتواند معرفی این علل چهارگانه باشد وگرنه واقعیت علل چهارگانه در آفریدن انواعی مانند انسان و . . .

پیش از آن‌است که‌مثال معرفی آنست مادیها برای جهان، جز یک علت‌و آن هم علت مادی چیزی معتقد نیستند و یکی از بارز ترین نقاط اختلاف دو مکتب همین‌است . جهان ازنظرآنان نه علت فاعلی دارد ، که برای‌هدفی آفریده شده باشد بلکه ازنظر این گروه ، جهان به‌سان کتابی‌است که از دوطرف آن‌اوراق وصفحاتی افتاده‌باشد وبه صورت‌یک‌مسأله درآید زیرا ازنظر مادیها ، بشرنه از آغازجهان خبردارد ونه‌از پایان آن .

مادیها ازمیان علل چهارگانه فقط روی علت مادی تکیه می‌کنند ومیگویند که‌خودماده توانائی خودسازی دارد وبه‌قول مادیهادرجهانی که خودش راخلق کند ، دیگر نیازی به خالق‌نیست . مارکس اعلام میدارد در تناسل خوداو ، تنها طریقه عملی رد نظریه خلقت‌است . به‌وسیله ژنو گنوزی ، یعنی وسیله علمی که‌تشکیل‌زمین وتکوین آن‌را همچون یک پدیده‌ای تناسلی ، خود به خود شروع میدهد ضربه محکمی بر مفهوم (خلقت) الهی وارد آمد .

اساس مکتب‌مادی این است که علت مادی تنها عامل پیدایش پدیده هاست ودر ماده خصیصه حرکت به تکامل هست پس از ظهور منطق دیالک تیک وائتلاف اضداد طرز تفکر ما دیگری این شد که شیء درسایه تضادی که در درون آن حکمفرما است ؛ خود به‌خود به‌سوی تکامل حرکت می‌کند وبه‌صورت موجودات متکامل درمی‌آید وسلسله علل ومعالیل از همین را شروع میشود .

ما در بحث علت ومعلول ، مسئله‌لزوم علت فاعلی را مطرح خواهیم کرد . وثابت‌خواهیم نمود که ماده پست‌تر ازآن‌است که قدرت‌خود سازی را

در ص (۴۷)

شهادت | الجهاد | جناح اتحاد اسلامی | الاصلاح | TIME THE WEEKLY NEWSMAGAZINE

اطلاعات | مشرق | استقامت | آزادی اسلامی | الامة | پیام انقلاب

مطبوعات در یک نظر

مادر نجیب بر ضد نجیب

جریده شهادت از قول منابع بیرونی مینویسد که داکتر نجیب حتی بامخالفت شدید مادرش نیز روبرو میباشد به طوریکه نامبرده اخیراً مجبور شده مادر خود را در منزل تحت توقیف و نظربند نگهدارد .

مطلب فوق از طرف مجدگل پسر کاکای داکتر نجیب که اکنون در دهلی میباشد افشا گردیده است . مجدگل به نمایندگی مجاهدین متذکر شده که جنایت کاران کمونیست ۱/٤ ملیون نفر را که نجیب در خون اکثریت آنها شریک است ، بشهادت رسانیده و پنج ملیون تن دیگر را آواره ساخته اند . محترم علی‌جان نماینده مجاهدین در دهلی گفته است که بسیاری ما موربن بلند پایه رژیم کمونیستی کابل‌در پی تسلیم شدن به مجاهدین هستند. مجاهدین این تمایل را ناشی از اعلام عفو مجاهدین وشکست های اخیر روسها ورژیم دست نشانده آن ها میدانند.

فساد اخلاقی دنیای "متمدن!"

۲۰ فیصد از مادران انگلیسی غیر متزوج انه

آمار دهی احصائیه مرکزی انگلند دلالت برین دارد که سطح طلاق و روابط نامشروع به شکل سرسام آوری درحالت صعوداست . درحالیکه ازدواج شکسل یک معامله از مد افتاده و کهنه رابخود اختیار میکند .

این منبع احصائیوی میرساند که یکی ازپنج مادر انگیسی ازدواج نا کرده است بالاتر از (۲) فیصد از اطفال انگیسی که در سال ۱۷۸۷ تولد شده اند نتیجه روابط نامشروع بودند . در حالیکه این رقم در سال ۱۹۶۱ - ۶ - فیصد را تشکیل میداد . ولادت اطفال نامشروع به بلند ترین شکل آن در بین زنان سیاه پوست و زنان آسیائی که‌اقامه انگیسی دارند بیشتر دیده میشود .

رقم احصائیه طلاق در سال ۱۹۸۵ به ۱/۷۵۰/۰۰۰ رسید و این رقم به مقایسه سال

پیمان زن
کیهان هفته
جنگ
Mahjubah
The Magazine for Muslim Women
شقت
درست
روزنامه وقت
شاهد بانوان
کیهان
اهرروز

۱۹۷۱ صدفیصد صعودنموده به‌این اساس انگلستان در بین ممالک بازار مشترک بلند ترین تعداد زنان و مردان طلاق شده و غیر متزوج رادارا میباشد .

دو عامل طلاق دربین زنان انگلیسی بیشتر موثر است .

۱ - زنان انگلیسی نسبت به شوهران شان سلوک و برخورد گستاخانه دارند .

۲ - مردان انگلیسی‌داشتن آزادی ولاقیدی را به‌قید ازدواج ترجیح میدهند.

زنان در هالند خرید و فروش میشوند

« شکل جدید بردگی »

امروز به همان پیمانه که مارکیت‌های تجارت غرب حالات صعودی انکشاف ! خودرامی پیمایند ، مسئله خرید و فروش کالای جدید تجارتی « زنان بدکاره»مضمونیزمون‌گرم این‌بازارمارا‌تشکیل میدهد .

و به آزادی‌های که‌مسائل معاشروی زنان و مردان کسب نموده اند میتوانند به شکل بسیار و وسیع وبی‌پرده و باز روی این مسائل و معاملات بحث وگفتگو نمایند .

تقریباً ده سال قبل خرید و فروش زنها در هالند آغاز شده ، زنان از ممالک جهان سوم مثل تایلند ، کولمبیا ، فلپین ، گیانا ، به‌نام وشناس نامه جعلی و اسناد ازدواج جعلی به وسیله‌مردان شرورقاچاقبر و بداخلاق داخل هالند می شوند .

این زنها جبراً به فساد اخلاقی کشانیده میشوند . البته‌بعد از سپری نمودن وظایف موعود مثل نرسنگ ، پیش‌خدمتی ، شاغل دیگره فریب

شغل‌متناسب‌با روحیات‌زنان

مجله ایرانی زن روز در یکی‌از شماره های اخیر خود مینویسد : که شمار زنانی که درشعبات مربوط به وزارت خانه های قواید عامه ، زراعت ، صنعت ، معادن ، فلزات ، صنایع‌سنگین‌وترانسپورت کار میکردند بعد از انقلاب خیلی کم شده است . واین در حالیست که از دیاد روز افزون مامورین و مشغولین زن در وزا رت خانه های صحت ، تعلیم و تربیه و دیگر مراکز تعلمی قوس صعودی خودرا پیموده است .

مجله از قول یک مسؤول پلان گذاری‌ایران مینویسد که دولت جمهوری اسلامی طبق قانون اساسی میکوشد تاحقوق زنان رابراساس موازین اسلامی اعاده نماید و راه را برای مصروفیت بیشتر زنان فراهم نماید .

خورده تن به هزره‌گی و فحشا میدهند .

به اساس از ریابی یک منبع باصلاحت آمستردام در جمله ۳۳ فیصد از نفوس این شهر ۵۰۰۰ زن بدکاره خارجی زندگی‌می‌نمایند ، تقریباًدر شهرهای دیگر هالند نیز به‌این‌تعداد اززنان بدکار وجود دارند .

س (٤٥)

به هر فامیل برخوردم
اولین سوال شان این
بود که آیا در پاکستان
برای دختران مهاجر
مکتب وجود دارد ؟
از این ناحیه بر
ایشان اطمینان دادم

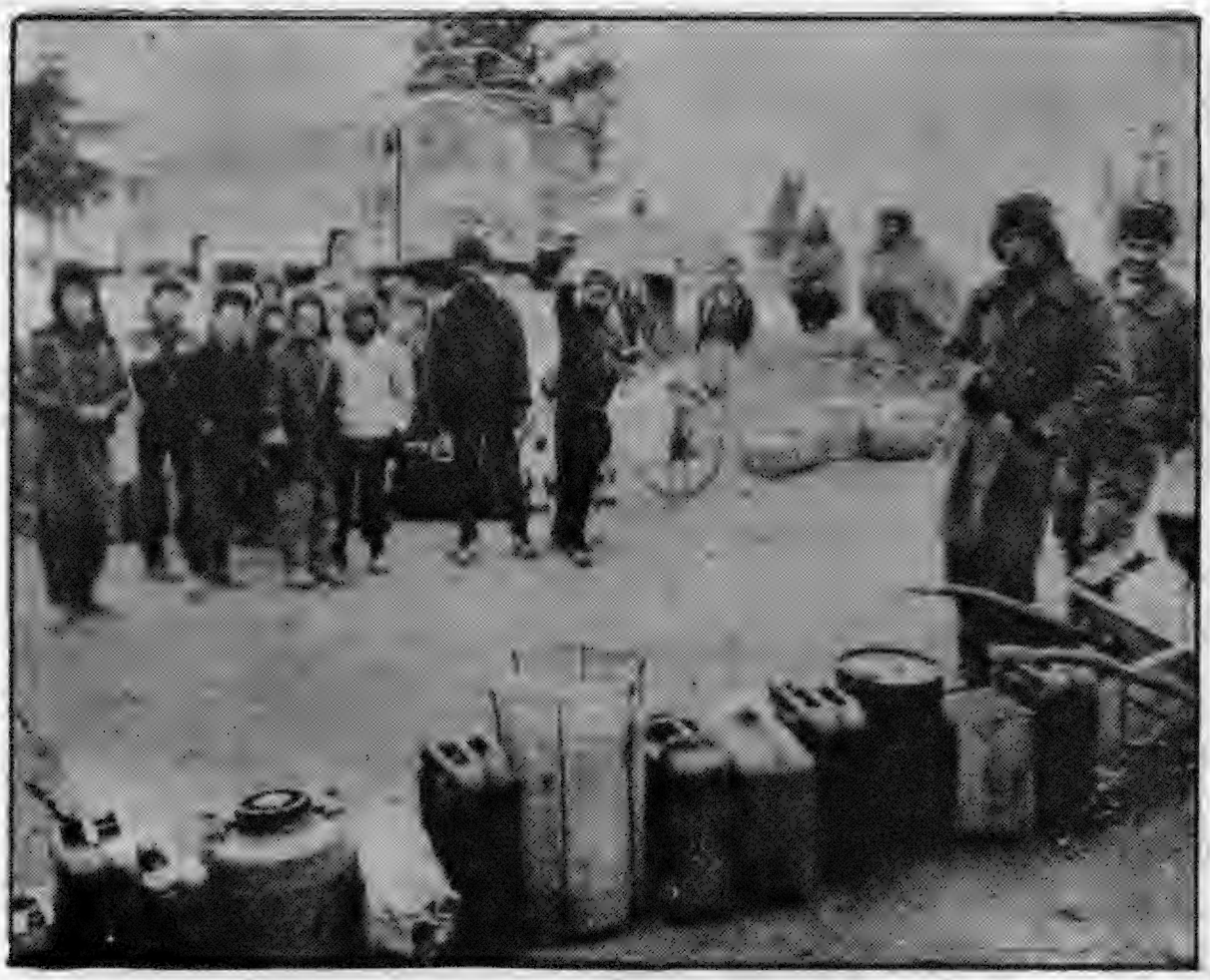

دو نامه از اوضاع کابل

گزارش زیر از خواهری است که جهت انجام وظایف محوله از طرف تنظیم اسلامی زنان به کابل سفر نموده بود . که اینک شما را در جریان گزارش میگذاریم :

جهت یکسلسله کارهای تنظیمی رهسپار شهر کابل گردیدم. اینک می‌خواهم چشم دید خود را برای خواهران عزیز و خوانندگان گرامی بیان دارم .

بعد از اینکه چند سالی در دیار هجرت دور از وطن آبایی ام سپری کردم وقتی بار دوم به کابل این شهر شیر مردان قدم گذاشتم همه را دگرگون یافتم . چهره ها پریشان و گرفته و مردم ناآرام و نا راضی از دولت کمونیستی بودند حملات پی در پی و ضربات کوبنده مجاهدین سر بکف دشهر کابل هر صبح زندگی و نشاط را برای خود باختگان کمونیزم تنگ ساخته بود مردم شهر هر آن در انتظار حادثه جدیدی بودند که بوقوع خواهد پیوست. همه آزرده و پریشان از ظلم روس‌ها واجیران شان بودند از یکسو از دهها پیش از حد مردم که از اطراف افغانستان درین شهر کوچک گرد آمده بودند واز سوئی قیمتی و قحطی مواد ضرورت در بازار همه را به فغان آورده بود .نرخ ها به حدی بالا بود که حتی یک فامیل که دارای زندگی متوسط بود نمیتوانست بیش از یکبار دو بار در یک ماه گوشت بخورد

ترکاری ومواد ارتزاق به آسانی بدسترس مردم قرار نمیگیرد وعلت آنهم برای همه معلوم بود که همه باغ ها و کشتزارهای مرده بی‌دفاع تحت بمباردمان هوایی روس ها قرار گرفته وهمه ازین رفته است .مردم همیشه برای کامیابی و موفقیت مجاهدین مومن دعا میکنند و از رژیم دست نشانده کابل شدیداً متنفر هستند .

گرچه رادیو وتلویزیون درپی اغفال مردم تبلیغات سوء علیه مجاهدین براه انداخته بودند اما حال دیر شده مردم دیگر فریب چرب زبانی ها وجعل کار های کمونیست های بی وجدان را نمی‌خورند اهداف شوم وچهره کثیف دشمنان اسلام برایشان واضح وشناخته شده است .حتی خود خلقی ها وپرچمی ها از گذشته خود سخت نادم وپشیمان شده وسی گفتند: ماراهی را که در پیش گرفته بودیم کاملا نادرست وخطا بود حال که ماهیت و فلسفه میان تهی کمونیزم برایشان ثابت شده میدانند که کمونیزم یعنی چه؟ این

بخوبی نشان میدهد که دیگر وطنفروشان تاب مقاومت را در برابر رزمندگان سلحشور اسلام ندارند ورژیم کمونیستی کابل به شکست ورسوایی بیشتر روبروست .

روحیه خلقی‌ها وپرچمی‌ها فوق‌العاده ضعیف بود ، باترس ووحشت اینسو و آنسو میگشتند تلاشی خانه‌ها وگرفتاری وبه‌زندان افکندن خواهران وبرادران مبارز ومسلمان مکه خواب راحت رابه ایشان حرام‌ساخته بودندبه‌شدت ادامه‌داشت .

چیزی که زیادمرا متاثر ساخت بی‌باکی بی‌شرمی دختران وزنان وبی بندو باری و وبی‌اعتنایی عده از فامیل های از خدابی‌خبر بود که‌تا هنوز درخواب غفلت اند و میکوشند با تقلید کور کورانه از غرب‌اما به‌ظاهر بیطرف، دیگران راهم ازراه بکشند ومنحرف‌سازند. درمکاتب‌و پوهنتون ها به جزمودپرستی ، بالت بازی‌تدویر متینگ‌ها و محافل‌رقص وآوازخوانی چیزی دیده‌نمیشود رشته‌درس وتحصیل ازدست‌شان رفته است .

بدری برایم حکایه کرد که‌درمکتب اولادمارا جاسوس وشیطان تربیه می‌کنند و بزور به سازمان های جاسوسی آنهارا می کشانندواز درس خبری نیست .

با عده ازخواهران که نا اگهانه‌به سازمان‌های زنان وجوانان‌جذب‌شده بودند صحبت کردم گفتند اگر از حقیقت نگذریم تاحال هدف این ساز مان راند انسیتم . نمیدانیم بالاخرچه‌خواهدشد؟اینها باوجودیکه نارضایتی خود را ازرژیم دست نشانده کابل بیان میکردند ازبقدرت رسیدن مجاهدین‌هم درهراس بودندمیگفتند اگر مجاهد ین کامیاب شوند همه چادرپوش و خانه نشین شده دروازه مکاتب بروی همه ماپسته میگردد. بخصوص اگر حکمتیار بقدرت برسد همهٔ زنان‌بایدبا مکتب وتحصیل وداع کنند زیرا اوگفته که زن درخانه تولدشده ، درخانه بماند ودرخانه‌بمیرد . من که‌نتوانستم‌حقایق رابرایشان بگویم دوباره بر گردم،برایشان کدم تعجب‌نیست که‌این تصورات غلطوبی اساس رادرذهن تان جا دهید زیراتا هنوز وجدان تان بیدار نشده وبه‌حقیقت‌پی‌نبرده‌اید.همین‌حالادر پاکستان بیشترین مکاتب اعم‌از اناث‌وذکور مربوط حزب اسلامی حکمتیار است . در آنجا موسات‌تعلیمی به‌سویه پوهنتون‌هم‌برای‌جوانان ماتاسیس گردیده حتی دردور دست ترین نقطه مهاجرنشین هم مکتب وجود دارد. همه‌خواهران درآنجا تربیه اسلامی می‌شوند ، دامن اسلام وسیع است شماهم میتوانید بیایید وازنزد یک همه رابینید زندگی یک مهاجر خیمه نشین بدهامرانبه از زندگی مصر نشینان‌وطنفروش شرف‌دارد .

قابل یادآوری است که‌برای چندین فامیل که‌برادر ، پدر وشوهر خودرا دراه‌اسلام ازدست داده‌بودند ، ازطرف کانون امور شهدای تنظیم اسلا می زنان افغانستان کمک های نقدی رسانندم آنهااز احساس پاک خوهران تنظیم‌اظهارخوشنودی‌کرده درفرصت تبلیغ وترویج‌اهداف‌اسلام عزیز هرگونه همکاری خود راه اعلام داشتند .

خلاصه به‌هر فامیل برخوردم اولین سوال شان‌این بوده‌که آیادر پاکستان‌برای دختران مکتب وجود دارد ؟ آیا زنان از حقوق اجتماعی خود بهره مند هستند ازین ناحیه برایشان اطمینان دادم واز خدمات خستگی ناپزیر خواهران تنظیم برایشان حکایه کردم که‌در شرایط هجرت چطور خود راه به‌خیمه های‌مهاجرین میرسانند و آنها راه کمک می کنند. حتی در ماه مبارک رمضان هم درآن آفتاب سوزنده پاکستان‌ازفامیل‌های‌شهدا،زنان بیوه والاد یتیم احوال گیری نموده وکمک های لازمه را برایشان میرسانند . ایشان همه حقایق‌راباکمال‌دقت می‌شنیدند واظهار خرسندی مینمودند .

همچنان خواهردیگری که درماه جدی امسال از لیسه مریم کابل به پشاور آمده است میگوید :

بارویکار آمدن حکومت مزدوروروس درکابل که سرخط برنامه هایش بی دینی بخصوص. آزادی زن درلفافه مساوات وبهره گیری از امکانات حیات بود این مصیبت اخلاقی به اوج بی حیایی رسید.

که درواقع می توان چنین نتیجه گرفت که این حکومات نامسلمان بوده است که زمینه رشد دتکثیرمکروب بی حیایی وفحشارا مساعدنموده بودندکه انشاءالله باپرپایی حکومت اسلامی درافغانستان ونفاذ شریعت اسلامی طبقه اناث کشور به حق عفت طبیعی خود

دوعکس فوق وضعیت کابل را درماه جدی سال جاری نشان میدهد عکس از منابع خارجی

دیدار از یک کودکستان نمونه وجهادی

درین شماره جریان باز دید نامه نگار مجله پیام زن مسلمان را که اخیراً از کودکستان تنظیم اسلامی زنان افغانستان به عمل آورده همراه مصاحبه با مسؤل آن کودکستان حضور خوانندگان گرامی تقدیم میداریم :

با داخل شدن به کودکستان انسان خودرا در یک محیط مصفا و مملواز مصئونیت احساس می نماید . در دیوار های کودکستان تصاویری از مجاهدین و صحنه های جهاد بر حق ملت ما و کودکانیکه در اواره گی به سر می برند و یا توسط جانیان کمونیزم معیوب گردید. اند و همچنان نقشه بزرگ افغانستان و مناظر طبیعی آن با نظر و علاقه مندی خاصی آنهم درمحیط مهاجرت وبا امکانات محدود بیننده رابه خود مجذوب میسازد .

شعار های انقلابی و حماسه آفرین ! سبیلنا سبیلنا الجهاد الجهاد ، روسیه روسیه مرگ به نیرنگ تو خون شهیدان ما می چکد از چنگ تواز حنجره های کودکان سه چهار ساله انسان رابه وجد می آورد .

یکی از صنوف شاگردان آیات قرآن مجید را تلاوت می کردند بیانی وجد آفرین وامید بخش داشتند

مشاهده چهره‌های مطمئن و جدی و انعکاس شعارهای شان در ذهن انسان این را تداعی میکند ممکن اینها باز تابی از استجابت دعای فاتحین بزرگ اسلام چهارده قرن قبل در پای کوه آسمایی باشد فاتحینی که توحید رابه ارمغان آورده بودند وبرای پیش آهنگی سردم این خطه دست دعا برداشته بودند .

و حال پای صحت خواهر (مریم) مسئول کودکستان نشسته ایم و اینک شما را در جریان می گذاریم .

س : کودکستان چه سالی تاسیس ودارای چند صنف است؟

ج : کودکستان در فبروری ۱۹۸۷ مطابق ۲ حوت ۱۳۶۵ تاسیس گردید .

س : تعداد داخله کودکستان به چند نفر میرسد ؟

ج : درحدود ۵۵ نفر شاگرد شامل کودکستان میباشد

س : اطفال در کدام سنین قرار دارند ؟

ج : سنین کودکان مختلف میباشد از سه ماه الی شش سال

س : شروع وختم کودکستان بین کدام ساعات است ؟

ج : بین ساعات ۸ الی یک ظهر

س : در مورد پروگرامهای تعلیمی و تربیتی کودکستان اگر چیزی بگویید ؟

ج : همه روزه بین ساعات ۸ نیم الی ۹ نیم قاری قرآنکریم جریان دارد به تعقیب آن ترانه‌های اسلامی و انقلابی تقویه زبان و قصه های اسلامی و قصه های جهاد افغانستان تدریس کتاب کودک رسامی ، و تدریس جغرافیه معرفی افغانستان همچنان در بین دروس یک ساعت سپورت ۱۵ دقیقه برای طعام شان میباشد .

س از نگاه ذهنی شاگردان در کدام سطح قرار دارند؟

ج : شاگردان درسویه‌های مختلف ذهنی قرار دارند.

بعضی ها استعداد عالی در رسامی و بازی انکشاف ذهنی دارندتعدادی فقط در مسایلکه حفظ میشود مستعد است و بعضی دیگر در قصه سازی خیلی خوب‌اند و بعضی شاگردان استعدادنظامی دارلد .

ص : اکثر اطفال پابند نظم نیستند . از بی نظمی خوششان میاید ، چگونه‌میتوانیم در اطفال نظم

یک علت اینکه بعضی والدین و مربیان آموزشی نمیتوانند در اطفال نظم را بوجود بیاورند این است که خود پابند نظم در زندگی نیستند .

ایجاد نمایم ؟

ج : بی نظمی‌اطفال چندان‌مسله قابل تشویش نیست میتوان مانند دیگر مسایل نظم را به اطفال آموخت مثلا اطفال را به وقت معین خواب بدهیم وغذای شان را در وقت مناسب ومعین آماده بسازیم ایشان را متوجه طعام خوردن و صحبت بابزرگان و دیگر مسایل زندگی رابیاموزیم اما نکته حساس را که باید مسولین تربیت و نگه داری اطفال به یاد داشته باشند اینست که جهت رسیدن به این هدف یعنی تربیت سالم اطفال و ایجاد نظم در آنها خود در زندگی با نظم باشد آنچه به اطفال می آموزاند از روی کاغذ کتاب نباشد بلکه‌خود در زندگی عمل‌نمایند . زیرا آنعده والدین و یا کود کستان‌ها چنانچه میخواهند نمی توانند طفل را تربیت نمایند علتش اینست که آنچه را به طفل می‌گویند عمل نمی‌توانند.

درین صورت حتما باید منتظر نتیجه منفی باشند به امید پیروزی انقلاب‌گفتار خود پایان میدهیم

والسلام

اوضاع کابل

باقی از ص ( )

بنادرنظرداشت همه حقوق وامتیازات اجتماعی درپهلوی مردان خواهندرسید.

واز مصیبت بی حیایی مولودغرب نجات خواهند یافت . که درین رابطه چشم دیدی خواهری را که از کابل درین اواخر درپشاور مهاجر شده اند وبیانگر اینست که همه زنان مسلمان کشور خواهان قبول حجاب اسلامی ودستیابی به عفت طبعی میباشند ، نقل قول می نمائیم

خواهرما میگوید :

یک عده بسیارزنان کابل که از دوران امان الله به این طرف بی حجاب شده اند اما درین ده سال انقلاب دربعضی مردم هیچ کدام اثری از اسلام باقی نمانده بود ووظیفه اینگونه زن ها تنها خودرانمایش دادن برای مردها بود ، لباس خود را مانند دختران غربی وشرقی تیارمی کردندبی حجابی وبی حیایی زیاد شده بود هرروز تعدادی دختران از شهر گم می شدند.

خواهرما چشم دیدخود را از یک صحنه اختطاف چنین گذارش میدهد: روزی من بافامیلم به باغ بابر رفته بودیم ، درهمین موقع دیدیم که یک دختر بسیارحسین که لباس مفشن درتن داشت داخل باغ شد. هنوز چنددقیقه نگذشته بود که یک نفرازافراد مسلح مربوط به ملیشه عصمت مسلم داخل باغ شد وآن دختر را جبراً درموتر انداخته وندانستیم سرنوشت آن دختر چه شد وی افزاید که بعد از این واقعه

ص ٤٧

زنان انقلابی و مردهای خانه‌نشین

شب نامه زیر نام « پیام زن » و « جمعیت انقلابی زنان » ! همان آهنگ تکراری را ساز میکرد که « حقیقت انقلاب

در روز روشن شب نامهٔ رادیدم ، گفتم : شاید درد دل دوستی باشد که نخواسته‌با صراحت « حضور » و دوستش را برنجاند و به تعبیری صلاح را درین دیده که با وساطت و حجاب « شب » حرفش را در میان بگذارد .

باعلاقه‌آنرا جلو کشیدم ، اما حیف ! در نگاه اول پندارم عوض شد . بجای درد ها و صراحت های حق طلبانه ، باکلمات غیر متعارف ونا آشنائی بر خوردم که بی جهت بر سینه‌سپیدکاغذ سنگینی کرده بود .

ثور » ودیگر نشرات ایادی کفر ازده سال به اینطرف بصورت مجانی وبی حضور شنونده آنرا سر داده اند . شب نامه پیام زن دنبال افکاری میرود که اینک روسهای جنایتکار برای باز پرداخت و پس پشیمانی آن ، جریمه‌بزرگی‌را درافغانستان‌میپردازند .

وقتی معلوم شد پیام زن با حقیقت انقلاب ثور یک ترانه را میخوانند،منتهی آن با آهنگ روسی و این به ریخت چینی ، خیالم راحت شد . بدون اینکه مطالب نشریه را بخوانم آخر قصه را فهمیده بودم .

وقتی بر محور صدر مائو از دیکترین و نخبه‌ترین یاران انقلابی ! اش (کلیل (اندامت)) میگذارند . . .

- وقتی عملکرد درخشان! آموزگار مائوست‌ها (اشتباه‌نا بخشودنی) ! اعلام میگردد . . .

دیگر چه‌گفته‌ای نا گفته میماند که آقایون و خانمهای شعله‌ئی میخواهند آنرا باز گو نمایند!؟

فهمیدم که آقایون ! جمعیت انقلابی زنان به این وسیله خواسته اند برای محافل ضد اسلامی سندی ارائه دهند تا آن محافل بروبیت این مجله حضور ! ما نوست ها را در افغانستان باور بکنند و چیزی روی دستشان بگذارند ! اما اگر نشریه پولی نیست باید اصول و آرمانی درکار باشد ولی سوال اینجاست که چه اصول و کدام آرمان ؟

وقتی بر مبانی ائدیولوژی کمونیزم در مسکو و پکن ودر خود مراکز اقتدار ائدیولوژی قلم نفی کشیده میشود ـ وقتی بر تور صدر مائو نزدیکترین و نجیب ترین یاران انقلابی ! اش اکلیل « ندامت » میگذارند ـ وقتی عملکرد درخشان ! آموزگار مائوست ها « اشتباه نابخشودنی » ! ! اعلام میگردد و بالاخره وقتی برای سر سلامتی امریکا و ریگن در « تالار مردم » جام ها را بالا میبرند و برای اتحاد شیوه های سرمایداری لب حمرت ترمیکنند ، دیگر چه گفته ای ناگفته میماند که آقایون ولخانمهای جمعیت انقلابی زنان آنرا میخواهند برای ما باز گو نمایند ؟ !

باری ، میخواستم شب نامه زن را کنار بگذارم ، این سخن که نمیدانم از کیست در فکرم تداعی شد . گفتم : هر چیزناخواندهٔ ! هم به یکبار خواندن می ارزد . یکبار دیگر سر و آخر نشریه را رو انداز کردم یک چیزی بنظرم جالب آمد . در عنوانی نوشته بودند : « نقش زنان نورستان در عرصه مبارزه و زندگی اجتماعی »

گفتم : خیر ! بیخیم زنان کمونیست وبی دین « جمعیت انقلابی » چه علایق وسرو کاری با زنان سلحشور نورستان پیدا کرده اند .

مضمون سرتاپا از زحمت کشی زنان در امور کشاورزی وزندگی روز مره نورستان مطالبی داشت و چیزی که علایق جمعیت انقلابی را به این مسئله روشن کند در بین نبود .

با خود گفتم یک مسئله ای باید در کار باشد . از فحوای مضمون اینطور استنباط میشد که چون خانمهای جمعیت انقلابی شوهران منزوی وخانه نشین شانرا برای پخت و پز و نگهداری اطفال گذاشته وخود وارد معرکه سیاست ومبارزه شده اند از این لحاظ شاید خود را با زنان نورستان در یک ردیف قرار داده باشند ، زیرا در نورستان طبق سنت قدیمی و محلی زن بیشتر از مرد در کار های تولیدی سهم میگیرفت و مرد ها اکثر مشغول جنگ و شکار می بودند . این رسم اگر چه بسیار کم شده ولی باز هم قسماً دیده میشود .

جمعیت انقلابی در همین یک مسئله خودشانرا نزدیک وهم ردیف زنان نورستان فرض کرده اند. اما ای کاش در اسلامیت وصفائی ایمان و حیا نیز با زنان نورستان قرینه ای میداشتند .

زنان نورستان شوهران و برادران مجاهد وبا غیرتی را در کنار خود دارند . گلوله های که در اولین روز های جهاد از نورستان بطرف روس و ایادی روس شلیک شده برای همیش این پیام را در دل هندوکش زمزمه میکند که :

نورستان کفر براندازاست وکمونیزم شکن !

داشتند ، بیشتر قابل تطبیق باشد .

درهر حال نقش گروهای اسلامی در جلب پشتیبانی زنان بمراتب کمتر از گروهای دیگر بود .

این موضوع ثابت میکرد که اتحاد جمهوری در بخش زنان کار چندانی انجام نداده ولی گروطرف مقابل بااستفاده ازاین خلا توانست سود فراوان ببرد وبه هرنحوی شده حمایت زنان رانسبت به افراد خود جلب نماید . حلقه های اسلامی در پاکستان گرفتار روابط خشک سیاسی هستند وضرورت کارتحریکی وانقلابی دراین کشور هنوز اهمیت خودرا برای عناصر

عبوری از حوادث سیاسی . . .

اسلامی نشان نداده است . اگرمبارزه یک گروه اسلامی صرفاً متکی به انگیزه های مادي وسیاسی باشد واضح است که شانس حمایت توده هاراازدست داده است .

گروه اسلامی وقتی ازمعنویت صحبت میکنند بایدادعای خود رادر عمل ثابت نمایندواسلام رادر خود تجسم بدهند . حرف محض وشعار محض کاری را از پیش نمیبرد ودردل مردم شور وحرکتی ایجاد نمیکند

از حقایق استعمار و از شکست تاریخی بریتانیا در افغانستان

خاطرات جنرال فلاشمن

مقدمه مترجم

درسال ۱۹۶۵ درجر یان لیلاس که‌در قصرلایستر برگزار شداز داخل یک‌قوطی چای‌چند دفتر حاوی یاداشت های‌خصوصی‌جنرال فلاشمن بدست آمد که انتشار آن‌سروصدای فراوانی در محافل سیاسی وا جتماعی انگلستان بوجود دآورد .

ماجرا ازین قراربود که نویسنده این خاطرات به سن‌هشتاد سالگی ناگهان تصمم میگیرد حوادث‌وما جراهای عمر دراز خودرا برشته تحریر کشد. چون خود در عصر ویکتور یا میزیسته بنا براین اتفاقات تاریخی آن‌دوران راباقلم ساده‌وموشکافانه‌وطنز آلود خودبه شیوایی ترسیم میکند . صحنه های که فلا شمن ازقرن نوزده‌هم انگلیس می آفریند چنان زنده وروشن است که‌جای‌هیچ‌انکاری‌درروش خونریزی‌و مردم ستیز استعمارگران‌باقی نمیگذاردتااینکه مقامات حکومت بر ان میشوند تا نوشته هاراجعلی وتخیلی قلمداد کنند وآنراساخته وپرداخته ذهن تنظیم کننده یاداشت ها بشمار آورنداماحقیقت بالاتر ازمدعاهاست و باذکر جزئیات زندگینامه هاری فلاشمن ومدال و نشان های‌دریافت کرده وبلاخره در جات ومقام و منصب اودرارتش ودر بار وجود حقیقی وحقوقی‌وی باثبات میرسد . این‌باردیگر راه گریزنیست : چهره کریه‌استعمار گران‌ازپشت ماسک‌پرزرق وبرق عصر ویکتوریا که‌هنوز هم‌بغلط آنرامظهر اعتلای دربار انگستان‌واوج‌افتخار و عظمت شیرپیر بریتانیا میدانند نمایان‌میگردد . لکن‌شرقی محروم‌ومستضعف جزمبا رزه بااشغالگرانی که‌داروی زهرآلودرا در زر ورق شیرین استعمار پیچیده‌اند وبه‌لطایف الحیل میخوآ هند آنرابه‌حلقش فروکنندراه‌دیگری ندارد . درابتدا

بکارها را کنده‌و قومی وفردی‌است‌اما دیری نمی، پایدکه دشمن مشترک‌بشکل هدف واحدی درمیاید واختلافات عمده‌فراموش میگردد واسلام بصورت عامل‌هماهنگ کننده‌رزمندگان رابرای جان با ختن درراه‌وطن‌ونبرد بااشغالگران به‌جهاد‌مقدس‌فرامیخو اند : دراینجاست که‌هیچ‌نیروی دربرابر این قدرت لایزال‌تاب مقاومت‌نمیاورد ومهاجمان نا چار به ترک

سرزمینی که اشغال کرده اند ، میشوند .
شگفتا که این داستان تکراری طی قرنها در سر زمین های مختلف اتفاق افتاده است اما اشغالگران نه تنها از تاریخ درس عبرت نمیگیرند بلکه این بار نیز با عناوین دیگر وبهانه مردم فریب تر پای بمیدان میگذارند ودوستی خلق ها وفراخوانی دولت هارا دستاویز میسازند وباز همان ملت است که بخشم وخروش میاید وباز مهاجمان بیگانه درمانده شکست خورده .
بهر تقدیر در آن بودیم تا چهره هاری فلاشمن قهرمان عصر ویکتوریا رابه خواننده گان عزیز بهتر بشناسیم تا خود شخصیت های پوشالی غربی وشرق راکه بصورت بت افسانه ای و سلحشور دوران معرفی میشوند . داوری کنند .
هاری فلاشمن درواپسین روزهای حیات تصمیم میگیرد خاطرات خود را بنویسد انگیزه وی از این کار آشکار نیست ولی نتیجه آن میشود که اوضاع سیاسی واجتماعی انگلستان درعصر رونق بازاری استعماری برملا میگردد و نقاب از چهره شخصیت های تاریخی و نظامی بکنار میرود وهویت پوچ وبی ارزش آنان افشا میشود .
هندوستان وافغانستان دوسر زمین محروم و استعمارزده دستخوش تاخت وتاز قشون اشغالگر بریتانیا قرارگرفته اندواین بیگانگانی که ظاهراً برای کمک وبه قصد عمران وآبادی این دوکشور رابزیر

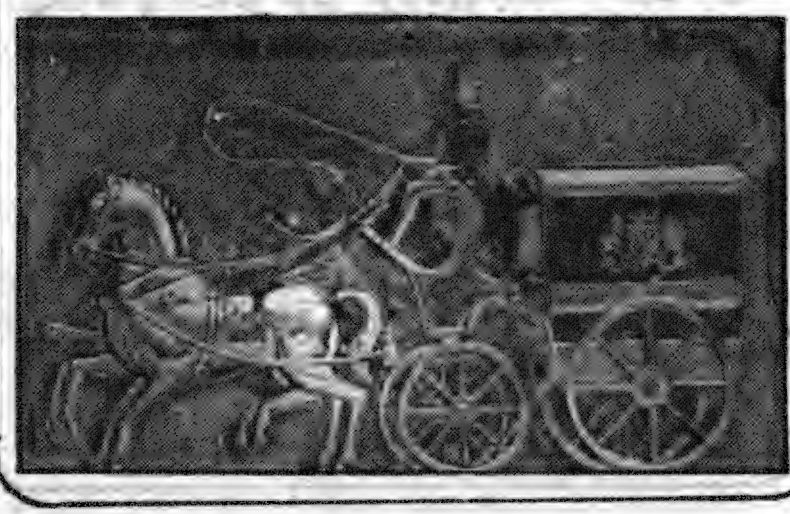

سلطه خود درآورده اندکاری جز قتل وغارت ودست درازی به ناموس ساکنان مظلوم آن ندارند . این بار شرح جنایات مستعمره چیان را از زبان یکی از دست اندکاران آن میشنویم وبی اختیار این مساله در اذهان تداعی میشود که آیا باین ترتیب اشغالگران کنونی نیز راه بجایی خواهند برد ویا آنان نیز چون برف تموز که دربرابر آفتاب سوزان وملت ها قرار میگیرند آب میشوند وهمچون قشون قهار بریتانیا سرانجام باخفت وخواری ناچار به هزیمت میگردند که نشانه های این امر از هم اکنون آشکار شده است .
جنرال فلاشمن دراین سفر نامه ـ چنانکه روال غربیان است ـ میکوشد تا شرقی هارا موجو داتی مفلوک وقضاوقدری وخرافاتی و جاهل ووحشی وخو نخوار معرفی نماید ، حال آنکه به موقع خود ناچار با عتراف میشود که او وسایرهم بالکی هایش بیشتر در خوراین صفات بوده اند . او میخواهد نشان دهد که این سران قبایل بوده اند که بخاطر محروم شدن ازمستمری
قیام وشورش افغانستان راه برانداختند واینکه هرکدام برای رسیدن بتاج وتخت سلطنت بایکدیگر برقابت وجنگ وستیزمی پرداختند باانگلیس ها وارد مذاکرات پنهانی میشدند واصلا توجهی به خواست های مردم خود نداشتند . امادرآخر ناچار باقرار این مطلب مهم میگردد که این توده مردم بپاخواسته است که یکپارچه به کوی وبرزن می ریزدوباجانبازی وایثار وشهادت قوای اشغالگر راشل وش درتله میاندازد وبدون توجه به توافق های محرمانه روسا وشیوخ قبایل ، انگلیس هاراوادار به ترک کابل و افغانستان میسازد وبرخلاف نظر نویسنده چشم داشتی باموال واثاثیه یاقشله ها ندارد بلکه میخواهد آنهارابرسر اشغالگران خراب کنند .

قلاشمن برآن است تاهزیمت مفتضحانه سپاهیان

انگلیس ازافغانستان رابحساب بی کفایتی جنرال الفینستون مذبزب ومتردد بگذاردلیکن ناخواسته ازمردم‌قهرمان افغانستان قصه ها ساز میکند واینکه چگونه بنای‌مثلاابرقدرت امپراتوری انگلستان رادر عصر ویکتوریا همین‌مردم ساده‌ازپای تاسربلـز زه میاورند وجهانی راباعجازوادار میکنند . اوکه‌رندانه میخواسته افغانی هایی‌راکه باتمامی وجود از دین میهن‌وشرف خوددفاع میکردند بزیر سوال‌ببرد وبا تشریح وبزرگ‌کردن صحنه‌های شکنجه وشلاق‌وگو دال‌مار وغیره آنهاراموجوداتی‌خش‌وبی‌نزاکت ! نشان دهـدناچار باعتراف شخصیت اصلی خود که دهلی ودورویـی وجبـن و بـزدلی است میگردد . جای شگفتی نیست اگر چنین شخصیتی با آن خصوصیات‌موفق بدریافت‌عالیترین مدال‌ها ونشان‌ها میشود و بمقامات بالا میرسد و جز محارم ومشاوران‌دربارمیگردد .

جادارد توجه خوانندگان گرامی رابااین نکته مهم جلب کنیم که‌این‌یاد داشت‌ها نقطه‌نظر های یک‌جنرال ارتش مستعمراتی انگلیس در حدودیک قرن‌ونیم پیش‌میباشد وطبعاًاز هرنظر بادیدگاه های انقلابی اسلامی مافاصله بسیاردارد وما بناچار بسیاری ازصحنه هارابدلیل زشتی‌و دنائت رفتار اینکه‌براستی قلم‌ازترجمه آن‌عاجز بود حذف کردیم. لیکن خواننده محترم‌خود متوجه خواهدشد که این جنرال عالیمقام درباری نه‌پای بند اخلاق بوده است ونه‌مذهب واگرهم درمهلکه خداج‌را بیاری می طلبیده بعداً اعتراف باشتباه ! خود میکیرده است.

باری شخص جنرال فلاشمن بخوبی ازین مساله آگاه بوده که‌درجنگ های مستعمراتی هیچ قاعده و قانونی وجود نداشت واصولا برای‌مردم مظلومی که‌درسر پنجه‌ظالمان‌اشغالگر گرفتار آمده‌اند قوانین ومقرارت مفهومی ندارد باجنگ ودندان هم که شده می‌جنگند تامهاجمان روسی نیزخواهد خوابید وطولی نمیکشدکد ملت‌افغانستان این‌بارهم چون‌گذ اشته دشمنان را ازمیهن خویش بیرون خواهدکرد .

حال‌اگر فلاشمن هابخواهند بااندودن گل برچهره خورشید قلب حقیقت کنند آبدرغربال ریختن و بادکشتن وتوفان درویدن است چراکه‌این بارهم فریاد کوبنده الله‌اکبـراست که مهاجمان راوادار به هزلمیت خواهدکرد . بازی ، قصه افغانها قصه تمامی مردم زیرستم مستعمرات‌وملت‌های‌زجرکشید ومحروم است : بزورواردخانه ات میشوند وترابر- ده‌وبنده میخوانند وخودرا صاحب‌وارباب واگربه- فاع برخیزی به‌نیزه ات میکشند وحلق‌آویزت میکنند وبه ناموست می‌تازند وچون بخواهی این‌ننگ را پاک‌کنی تراتعصب بی‌تمدن ووحشی می‌نامند و ارزش های والای مردمیت راسخ میکنند وبرآن میشوند تراو اگرنشد فرزندت راآلوده به‌فرهنـگ استعماری خود کنند وچماق بدستش دهندتا به نیابت برسرتو بکوبد . اگرصدای نه‌شرقی نه غربی سردهی وادعای‌استقلال کنی که‌دیگرخود رابا دنیای استکبار واستعمار طرف ساخته ای‌چراکه این صلا هرچند که‌ریشه درقرن داردامااین بارهردو جناح

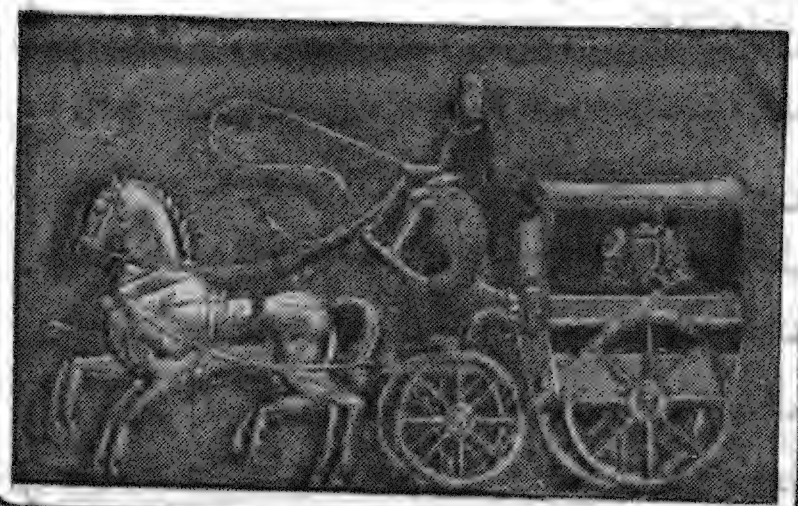

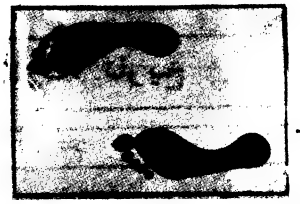

استعمار گران رابلرزه افگنده است . لیکن کارتمام است وچاره جزاینکه مدعیان رمخود گیرند وملت برارا بخویش واگزارند ، وجود ندارد

جنرال فلاشمن کیست ؟

افسری وابسته به ارتش سلطنتی ومستعمراتی بریتانیای کبیر درعصر رونق بازار استعمار ویکتور یامامور ماموریت هند و افغان می یابد .

حوداث وماجراهای که برای اودرآن دیارپیش

اگر فلاشمن ها بخواهند با اندودن گل برچهره خورشید قلب حقیقت کنند آب در غربال ریختن و توفان درویدن است ، چرا که این بار هم فریاد کوبنده الله اکبر است که این مهاجمان را وادار به هزیمت خواهد کرد .

می آید ، صفحاتی ازتاریخ مبارزات خونین مردم آن سرزمین رانیزرقم میزند که چگونه درمقابل قشون اشغالگر قد علم می کنند تامتجاوز را ازخاک خود بیرون رانند . جنرال فلاشمن در واپسین روز های زندگی برآن میشود تاخاطرات جوانی رابه رشته تحر یر کشدولی بی پرده وصریح آنچه راکه برا وگذشته وآن بلاها ومصیبت های راکه فرنگ ها به عنوان سوغات تمدن وتحفه آزادی نصیب مردم نگونبخت ودرعین حال مبارزه مشرق ساخته اند ، شرح دهد وحاصل این تلاش ، پژوهشی است تاریخی ازرویداد های قرن پرآشوب گذشته واثری است پرهیجان وگیرا ازجنگ وگریزها ونیرنگ وفریب هاولاجرم پندی عبرت آموز

ازتاریخ . داستان اینطور آغازمیشود !

من های فلاشمن در ۸۰ سالگی قلم بدست میگیرم تاآنچه راکه بنام زندگی ازسرگذارانده ام بسادگی بیان کنم واین نه کاری است آسان زیرا گفتن حقیقت دروا پسین دم حیات نه آنچنانکه می نماید دشواری هـای درپی دارد . گرچه دراین سن وسال ، انسان بیشتر بخودمی پردازد وتشویش گفته های دیگران راندارد واگرآرزم وشرم هم ازاورخت بربسته باشد پس چه باک که چگونه به داوریت بنشینند ، بخصوص آنکه لقب وعنوانی داشته ومفتخر به نشان صلیب ویکتور باشده وبه موقعیت والالی هم رسیده باشداینک که به عکس این افسرجوان خوش قیافه درلباس سوارکاری که در قاب زیبائی بالای میز تحریرم آویزان شده نگاه میکنم بخود میگویم آیااین همان آدم درغگو وشیاد کلا بردار است ؟

نخستین صفحه کتاب زندگی نظامی سرشاراازماجرایم دربرابرم وقتی گشودشد که برای سفرهند آماده شدم من خودرا دستخوشی یک بی عدالتی محض میدانستم واگرقدرت میداشتم ازپدرم انتقام میگرفتم ولی اوکه باخلاق من واردبود میدانست چگونه با من رفتار کند درضمن گذشتهٔ ازوسایل مادی ، من قدرت مقاومت درمقابل گفته هاودستور های کاردیگان رادر خودم نمیدیدم . بعدهارلردکاردیگان متظاهر وکله خشک وازخود راضی ناچار شدبامن شرافتمند انه رفتارکند ولی هرگز پدرم که احساس می کردم مرابازی می گیرد — باین کار راضی نشد . آنچه بیش ازهمه مرامنقلب می ساخت این بود که پدرم هیچگاه باورنکرد که من الیست رادوست دارم وبرعکس تصور میکرد که فاقد هرنوع احساس نسبت به وی هستم .

←

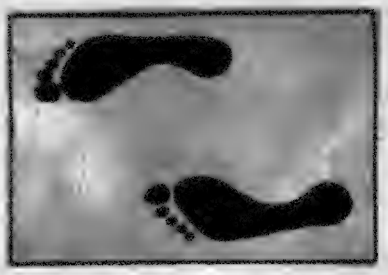

اگردردنیا کشور های‌وجود دارندکه خدمت درآنها ازهند بهتر باشد من که‌شخصاً ازوجـود آن سرزمین هابی‌اطلاعم . کسانی که‌بتازگی ازهند باز گشته اندازگرما وحشرات وکثافت آن‌کـه بزودی به‌آنهاخود می‌گیرید ، داستان‌ها نقل‌می‌کنند ویـا از مرض وناخوشی‌همه‌گیری که‌فقط بایدبیاری‌عقل‌سلیم ازآن پرهیز کرد ، قصه‌ها سرهم‌کنند ولی درکجامی توان بردگانی سربزیر ومطیع‌تر ؛ ساده ترمودب‌تراز هندیها پیداکرد ؟ بهرحال من که‌آنهارابهتراز اسکا - تلندی‌ها دیدم زبانشان رازودتر یادگرفتم . ازنا - راحتی های‌آن‌خطه که‌بگذریم‌درعوض جنبه‌های‌خوب ومثبتی هم دربرداشت که‌مهم ترازهمه قدرت‌مابود : قدرت وسلطه سفید ان برسیاهان ولطف‌وآرامش زندگی‌و اوقات تفریحی زیادی در اختیار داشتیم واز معدودیت های شهری واروپـائی خبری نبود وهر کس به‌وسع و میل‌خود زندگی میکرد وبه خصوص اگرکسی مثل‌من پول وپله وپارتی واسم ورسمی داشت بـه سرعت مـن تـوانـست جای خـودرا درنـزد حکمران کـل باز کند وباب معاشرت باآنها رامفتوح نماید ودرآنجا تفریحات وسرگرمیهای موردعلاقه‌خود را - ازهرنوع بیابد ! اگرهم اهل‌پول کردن‌بودی درلشکر کشی هـابه سهولت به‌مقصود خوددست می‌یافتی . خودمن در ماموریستم به‌هندباندازه‌نصف‌آنچه‌راکه‌درتمام عمر

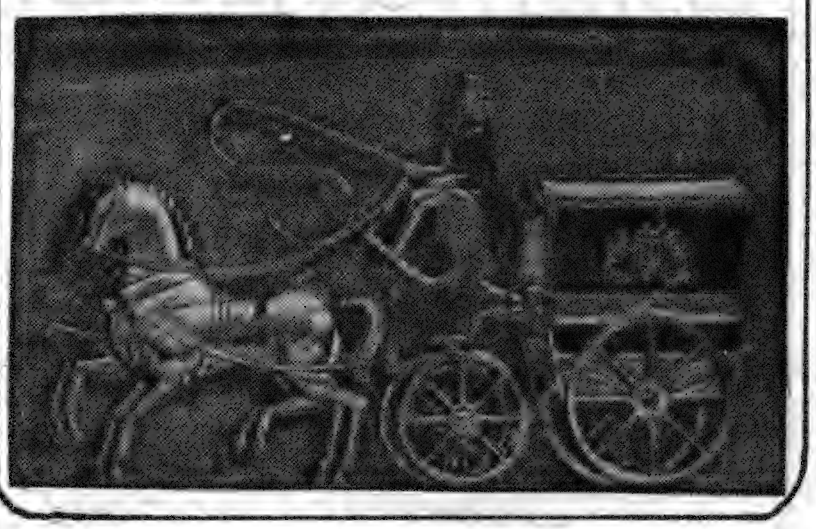

خدمتی ام‌بدست آرودم ، غارت وچپاول کردم که این‌هود داستان دیگری است .

خلاصه‌اینکه«باسه» گماشتهٔ راکه‌از انگلستان‌باخود آورده بودم احضار کردم (بدنیست که‌بدانید باسه هنگامی که‌فهمید مرامی خواهند ازاوتـش اخـراج کنندچنان‌آه‌وناله ای سردادکه من‌پس ازروبراه شدن کارهایم اوراباخود به‌همراه آوردم) ، مشتی پول درکف‌باسه‌ریختم وباوگفتم یک‌آشپز ویک‌پیشخـد مت و - یک سرگارسون ویک‌دودرجن پای دو برایم اجیرکند .

این‌نکته قابل‌ذکراست که‌بخاطر یک‌لـقمه نان افرادبومی حاضربه انجام هرکاری بودند . پس به‌هند رفتم‌ویک هندی راکه تاحدودی انگلیسی حرف‌میزدپیداکردم وپس‌ازآن درصدد یافتن مسکن مناسبی‌برآمدم .(کمپانی هندشرقی برای مهمانان وافسران‌موقت تعهدمسکن‌نمی کردواینهابایدخود به جستجوی‌خانه مسکونی می‌پرداختـند) .

یافتن چنین خانه‌ای آنهم دراطراف پایگاه‌کار دشواری نبودوبزودی منزل باب‌طبع خودرا ، که باغچه‌پرگل وگیاه وایوان‌مصفایی داشت یافتم .

(تیمبود یلماج) سیه‌چرده‌ام بدنبال صاحب خانه‌رفت ولحظه ای‌بعد اوراباخود به‌همراه آورد آنگاه‌در میان‌گروهی که همگی‌باهم صحبت وقیل‌وقال می‌کردند من‌نصف قیمت پیشنهادی اوراپذیرفتم وپرداختم وبادارو دسته‌ام‌در آن‌ساکن‌شدم .باواسطه همان دیلماج باآشپزم وظایفش راتفهیم کردم .

کارقو آشپزی استولی این‌کار راباید بانظافت کامل‌انجام بدهی . قبل‌از هرکاربایدد دست هایت‌را بخوبی بشویی وبهترین گوشت وسبزی رابخری‌و گرنه آنقدرشلاق به‌پشتت می‌زنم که گوشت بـه‌آن نماند .

آشپزشروع بوراجی کردومرتبا خم‌وراست‌شد وآنقدر باین کارخودادامه‌داد که‌من‌بقیه‌اش راگر فتم وروی زمین انداختم وباشلاق به جانش افتادم وسر انجام درحالی که‌زوزه می‌کشید ازایوان گریخت .

روبه دهلماج کردم وگفتم !

بااوبگو اگروظیفه اش‌رابد رستی انجام ندهد این‌جیره صبح وشب اوخواهد بود . ما بقی‌هم‌باید حساب‌کار خودرا اداشته باشند .

سایرین هم ازترس فریادهای زوزه کشیدند این درس اول آنها رابه جریان واردکرده بوده ازآن ببعدهر روزبهانه ای‌می‌جستم‌ویکی‌ازخدمه‌هارا به‌شلاق می‌بستم تامابقی حساب کارخود رابکنند و این‌تمهید باعث‌شد تازمانی که‌در هندوستان بسر می‌بردم هرگزبستری نشوم مگربخاطر ابتلابه تب نوبتی‌که کسی را ازآن گریزی نبود آشپزباشی بخوبی انجام وظیفه میکرد وبداد وفریاد و گاه‌گاه نیزبا اردنگ مابقی رابکاروامی داشت وهمه چیز براه بود .

« تیمبو » فنشی من‌خدمات گرانبهایی‌برایم انجام دادزیرا بازبان انگلیسی آشنایی داشت واین به‌خصوص درچند هفته اول‌بمن کمک بسیارکرد. درهمان مدت‌کافی بودکه‌من بیکی‌از استعداد های نهفته‌خودکه‌یادگیری زبان‌های خارجی بودپی‌ببرم هرچند که‌درمدرسه درآموزش زبان‌لاتین‌و یونانی موفق نبودم زیرااصولا‌از درس‌خواندن بدم‌می آمد ولی زندگی درمدرسه بااجتماع تفاوت‌زمین وآسمان دارد .

درگوش هایم زبان هاریتم یگسانی داشتند و اصوات‌رابخوبی دریافت‌میکردند وآنهارا بهم مرتبط می‌ساختند . برآن بودم که‌حرف‌حرف‌های مخاطب خودرا بگیرم واگرهم آنهارانمی فهمیدم ، از کلمات وهجاها تقلید می‌کر دم .

مدت‌ها نزده‌روز تمام‌باتیمبو سروکله زدم وچنان درفهم ومطالعه زبان هندی پیشرفت کردم‌که دیدم دیگربا تیمبو درآن‌خانه کاری ندارم وعذر اورا خواستم . باپنجصد روپیه آموزگار دیگری بنام « فتنه » که‌دختری باریک اندام وریزه وظریف بود استخدام کردم که علاوه‌برهوش‌ودرایت ، تمام ریزه کاریهای زندگی‌هندی رانیزبمن آموخت .

باین ترتیب زندگی‌من درکلکته بخوبی وخوشی سپری می‌شد وبعضی ازشب هارابه باشگاه یابه دید وبازدید دوستان وآشنایان می‌رفتم وروزها رابه‌سواری وشکاری می گذراندم ویابالاخره درشهر گردش می کردم .

ادامه دارد

درعهدی که فلاشمن سخن میگوید ملکه ویکتوریا فرمانروای ـــــــــ استعمار بریتانیا بود. ـــــــــ

درعکس بالاویکتوریا وشوهرش دیده میشود

سنین اول زندگی

مسولیت پدر و مادر در این ایام - خیلی سنگین است . غفلت و عدم توجه در پاک و کامل بودن غذای جسم و جان کودک عوارض غیر قابل جبرانی را ببار میاورد . در سنین اول زندگی است که کودک ساخته میشود و لازم است به تمام جهات مادی و معنوی او توجه داشت .

نقص تغذیه جسمی یا روانی در این ایام عوارض سنگینی را در پی دارد،یک غفلت کوچک ممکن است بد بختی عظیمی رابوجود آورد و تا پایان عمر طفل را چارتیره روزی نماید .

قال رسول الله (ص) : الا کلکم راع و کلکم مسؤل عن رعیته فالامیر علی الناس راع و هو مسؤل عن رعیته و الرجل راع علی اهل بیته وهو مسؤل عنهم ، فالمراة راعیته علی اهل بیت لها والده وهی مسؤ لة عنهم الا فکلکم راع و کلکم مسؤل عن رعیتهٔ اگه باشید که همه شما تا حدودی فرمانروا و نگهبان هستید و در مورد فر نبرداری خویش سواخذ و مسؤلید ، زمما مداران کشور فرمانروایان جامعه هستند و دربرابر آن مسئول . مردیکه رئیس خانواده است ، فرمانروا ی زن و فرزندان خویش است و در برابر ان مسؤل است ، زن بر کودکان خود فرمانروا و حاکم است ودر برابر آنان مسولیت دارد اگاه باشید همه شما فرمانروا و نگهبان هستید و همه شما در مورد فرمانبرداران خویش سواخذ و میشوید .

لازم است پدران و مادران مسلمان بمسئولیت عظیم مذهبی خود در تربیت فرزندان خویش توجه نمایندوبداند کردکان آنها امانتهای الهی هستند . پدر و مادری که وظیفه خود را بخوبی انجام دهند ادا امانت نموده ، در پیشگاه پروردگارمستحق پاداش و آنانیکه از وظایف خودسرپیچی میکنند خیانت کرده ، در پیشگاه پروردگار بزرگ مورد مسولیت و مواخذ هستند .

خدمت بزرگ پدران آن نیست که در زندگی ثروتی جمع کنند و بارث برای فرزندان باقی گذارند . زیرا اگر فرزند تربیت صحیح نداشته باشدثروت برای او مایه تیره روزی و بدبختی خواهدشد . خدمت بزرگ پدر اینست که فرزند را با سرمایه های ایمانی و سجایای اخلاقی تربیت کنند واو رابرای یک زندگی پاک و شایسته ای بسازندچنین فرزندی میتواند یک عمر با عزت و محبوبیت زندگی کند و خود ثروت مشروعی بدست بیاورد .

فرزندانیکه پدران و مادران پاایمان و شایسته‌ای داشته و آنان راباپاک تربیت نموده اند و امروز با اطمینان ایمانی و محبوبیت اخلاقی در جامعه زندگی میکنند لازم است خدای را شکر گویند و در باره پدران و مادران خویش به رحمت الهی

یک غفلت کوچک ممکن است بدبختی عظیمی رابوجود آوردوتاپایان عمر طفل رادچارتیره روزی نماید.

دعا کنند و مواظبت نمایند که سرمایه های روانی خود را با معاشرتهای آلوده و مجالستهای ناپاک از کف ندهند .

فرزندانیکه از پدر و مادر تربیت صحیحی نیاموخته اند و فاقد سجایای اخلاقی هستند فوراً در اصلاح خود قیام نمایند و مطمین باشند که مراقبتهای صحیح دینی و علمی میتواند غفلتهای گذشته پدر و مادر را جبران نماید ، آنها از همین حالا و در راه سعادت از پی مردان پاکرو با ایمان بسوی منزلگاه صفا و خوشبختی حرکت نمایند .

خواب طفل و مشکلات مربوط به آن

ساعات اخیر روز بخوابد زیرا خواب شبانه او اخلال میگردد . بعضی از اطفال چنان عادت میکنند که اگر والدین درشبا نگاه منزل را ترک بگوید و با به مهمانی برود تا آمدن آنها خود را بیدار نگه میدارد .

والدین باید به اطفال ساعت برگشت خود را به منزل اعلان نماید و همچنان به آنان اجازه داده نشود تا به بهانه‌های مختلف مثلاً نشستن با مهمانان ، شنیدن قصه ، تماشای فلم در تلویزیون و امثال آن خود را لگه دارد . حرف زدن و قصه گفتن از جمله طرق موثری به حساب میرود که طفل خسته را بخواب فرومیبرد . یک طفل تورسال باید بعد از گذشت ۲۰ دقیقه بعد از اینکه در بستر قرار گیرد به خواب فرو رود طفل هر زمانیکه بستر را ترک می گوید باید دوباره به آن بر گردانیده شود اگر این بیداری او از اثری ترس باشد تا هنگامیکه بخواب فرومی‌رود مادر او را همراهی می نماید .

گشت و گذر شبانه !

بعضی از اطفال بعد از سن دو سالگی چنان عادت میگردند که بعد از خوابیدن ، بیدار می شوند و دو صحن اطاق اطراف بستر خود به گشت و گذار می پردازند . این عادت از تاثیر عوامل مختلف میباشد .

یکی بی موضوعی طفل درجریان روز و دوم بی توجهی والدین نسبت به او و سوم نداشتن همبازی و رفیق . اینگونه اطفال با اینکه خود را در یک بازی و مصروفیت سر گرم میسازند لیکن رااذیت نمی نمایند و یا اینکه پدر و مادرو اطفال دیگر را مورد اذیت قرار میدهند . والدین نباید اینگونه عکس العمل های طفل را با سادگی ، خنده ، تعجب و یا تحسین بدرقه نماید زیرا اینگونه اعمال والدین سبب می شود که عادت مذکور هر چه بیشتر تقویه و استحکام یابد . برای رفع این عادت باید اولا به عواملی که در بالا به آن اشاره شد توجه نمود و ثانیا بطور مداوم طفل را به بستر راهنمایی نمود .

صاحب زاده یعقوب خان

مصاحبه بینظیر بوتو

بینظیر بوتو صدر اعظم پاکستان درمصاحبه بایکی از شبکه های تلویزیونی امریکا متذکر شد که حمایت پاکستان تا زمان انخلای کامل سربازان روسی و آماده‌شدن شرایط ، برای برگشت آبرومندانه مهاجرین از مردم افغانستان ادامه خواهد داشت .

نامه نگار مجله زن مسلمان مینویسد : غیر از مصاحبه بالا صدر اعظم پاکستان در موارد دیگر نیز از تاسیس یک حکومت مورد قبول مهاجرین در افغانستان جانبداری بعمل آورده واطمنان داده است که حکومت وی پالیسی جاری را در افغانستان تغییرنخواهدداد . نامبرده تعین مجدد صاحب زاده یعقوب خان را به وزارت خارجه یکی از دلایل مهم ادامه این پالیسی دانسته است .

باقی از ص (۱۵)

در افغانستان ...

س : - در همین نزدیکی ها انتخابات در سر زمین آزاد ما صورت خواهد گرفت - نظر شما درین باره چیست ؟ آیا حق انتخاب برای زنان داده خواهد شد ؟

ج : - اسلام به زن حق داده است تا در تعین زمامدار و امیر نظر خود را ارئه بدارد. و بیعت در اسلام یکی از شرایط رسیدن به امیر و امارت است و روایات متعدد در این مورد بما رسیده از آن جمله بیعت به پیغمبر ﷺ در فتح مکه که زنها جوقه جوقه نزد رسول خدا می آمدند و بیعت میکردند بیعت‌عقبه‌وبیعت غفران‌ا سناد ذکر شده دلایلی قانع کننده برای سهیم دادن زن مسلمان در تعین سرنوشت جامعه است.در قسمت دیگر سوال تان‌باید بگویم ،مشکلات موجوده در انقلاب‌وبرا بلمهای‌درین‌مورد نمیتوان‌آینده‌را پیشگوئی کرد که تا چه حدود به زن در اوایل پیروزی حق داده میشود ولی د ر آینده دراز مدت با تحکیم نظام اسلامی‌در جامعه‌انشاالله این مشکل حل خواهد شد .

س : - طوریکه شما میدانید مردان خواستار این نیستند که زنان بالاتر از آنها باشند. آیا اجازه خواهند داد زنان‌وظایف‌اجتماعی به عهده‌داشته باشند ودر بخش های اداری مرد از زن اطاعت خواهد کرد ؟

ج : - در جامعه اسلامی آینده افغانستان برنامه و پلانها قسمی خواهد بود که از اختلاط مرد و زن جلو گیری میشود،مشکلی درین مورد احساس نخو اهد شد .

س - در افغانستان آزاد نظر شما در باره محو بیسوادی بطور همگانی چیست . آیا درین بخش پروگرامی دارید یا خیر ؟

ج : - ما بار ها اعلان کرده ایم که برای ساختن جامعه اسلامی و متعالی ریشه های جهل خشکیده شود و همه نهاد هائی انقلابی مسلمان ما پروگرامهائی جهت محو بی سوادی و نا آگاهی اسلامی روی دست بگیرند و زن،مرد ، پیر و جوان در این جهاد مقدس مساعی به خرچ دهند .
مابرای آینده پروگرام جامع وتمام عیاری داریم که فعلاً صحبت را روی آن پیش از وقت مید انیم

س : - فکر میکنید که آینده زنان بتوانند در قسمت آموزش علم و سواد برای خواهران کلان سال و اطفال یتیم پروگرام های داشته باشند و در ارتباط آن فعالیت نمایند ؟

ج : - چرانی ؟ امروز زن‌های ما در پاکستان چنین وظایف را انجام میدهند و می توانند پروژه هائی را پیش ببرند و هیچ مانعی وجود ندارد ونیز فردا انشاءالله‌می‌توانیم در داخل افغانستان همین پروژه ها را انتقال و فعال بسازیم .

س - فکر میکنید که تنها وظیفه زن آشپزی ، طفل آوردن ، طوریکه مرد ها از زنان افغان توقع داشتند است . یا اینکه وظایف دیگری را در جامعهٔ بعدی افغانستان به عهده بگیرند ؟

ج : - خواهران محترم ! اسلام دین جمود وخمودنیست‌دراسلام تعالی انسان‌منحصربه‌طبقه‌مرد نمی باشد بلکه هرد و طبقه می توانند برای تعالی مادی و معنوی خویش بکوشند درین حصه مرزی وجود ندارد - زن می تواند به اثر سعی و تلاش داکتر شود معلم ، استاد . . . . اسلام مخالف علم نیست مخالف کار زن نیست اسلام مخالف اختلاط مرد و زن سبکسری زن و بی حجابی زن است . وظیفه اساسی زن مادر بودن است . و این یک امر طبیعی و خواست فطری ما انسانها حتی حیوانات است و در پهلوی این وظیفه مقدس زن می تواند به وظایف دیگری هم بپردازد .

در فردا افغانستان آزاد ومستقل ، جامعه به داکتر ، نرس ، معلمه و استاد از طبقه زن نیازمند است و هیچکس منکرکار زن ورولش در آینده نخواهد بود ، ازنظر اسلام زن به‌مثابه یک عنصر انسانی تمام مراحل کمال را می تواند بپیماید و حدی برای آن نیست . زن میتواند به عنوان یک دانشمند فیلسوف ، مخترع ، داکتر وعوتگر و معلم مانند عنصر مرد در جامعه مطرح شود منتهی همراه با چند استثناء محدود از قبیل قضاوت که آن هم ناشی از موجودیت نقص در زن نیست بلکه صانع بزرگ ،زن رابا عواطف احساسات به خصوص که مربوط جنسیت اش میشود بوجود آورده است . شریعت اسلام « ۱٤ » قرن قبل زنان را از دایره تنگ زندگی قبیله ای و جامعه بسته بیرون آورد و به او حقوقی‌راارزانی داشت که‌غرب۱۳ قرن‌بعد به عنوان آزاد ساختن زن یک سلسله اصلاحات را « به نفع زن » آغاز کرد که آن هم به خاطرمنافع سرمایه داران و ملاکان بزرگ بوده است .

فساداخلاقی

باقی از ص (۲۹)

خانم مریم ویجرس‌عضو (اداره مبارزه بافساد اخلاقی و تبعیض نژادی) میگوید . تعیین‌رقم درست درین‌زمینه‌مشکل است . زیرا در قدم‌اول اینها از کسانیکه ایشان را از خارج هالند بنام شوهر جعلی آورده وبه‌حلقه‌های بدکاره می کشانند در هراس اند ،

از مجله محجوبه« ایرانی

شهادت یک قوماندان مکتبی

ملت مومن انقلابی ما در مسیر جهاد خویش که امروز بیش از ۱،۳۰۰،۰۰۰ بهترین فرزندان خود را از دست داده است یکبار دیگر با شهادت مجاهد مست و مکتبی شهید معلم هاشم «فیصل» قربانی دیگری جهت استدامت خط ابراهیم به پیشگاه ایزدی تقدیم کرد.

شهید معلم هاشم «فیصل» ۲۷ سال قبل در قریه «آدینه مسجد» ولسوالی چهار بولک ولایت بلخ دیده به جهان گشود، موصوف بعد از سپری نمودن مکتب ابتدائی ولسوالی مذکور دوران لیسه را در ولسوالی بلخ به پایان رسانید.

فیصل شهید، با اتمام دوره فراغت از لیسه به اساس عشق و علاقه ایکه به عقیده و ایمان خود داشت؛ جهت ادای دین ومسولیتش در برابر خداوند وخلق او بر علیه دشمنان دین ووطن به جهاد مسلمان پرداخت وهمیشه در حملات و یورش های که از طرف مجاهدین بالای پوسته ها و مراکز نظامی دولت ملحد صورت میگرفت. در صف اول قرارداشت. وی دارای شخصیت اسلامی وا لای بود. اکثر آروزهای دوشنبه و پنج شنبه، مجاهدین خویش را به تقوی و ایمان دارای دعوت میکرد: و از علاقه مندان توسعه جهاد فرهنگی بود، همیشه در فکر این بود چگونه ضربت کوبنده و خورد کننده را بر دشمنان اسلام وکمونیست ها

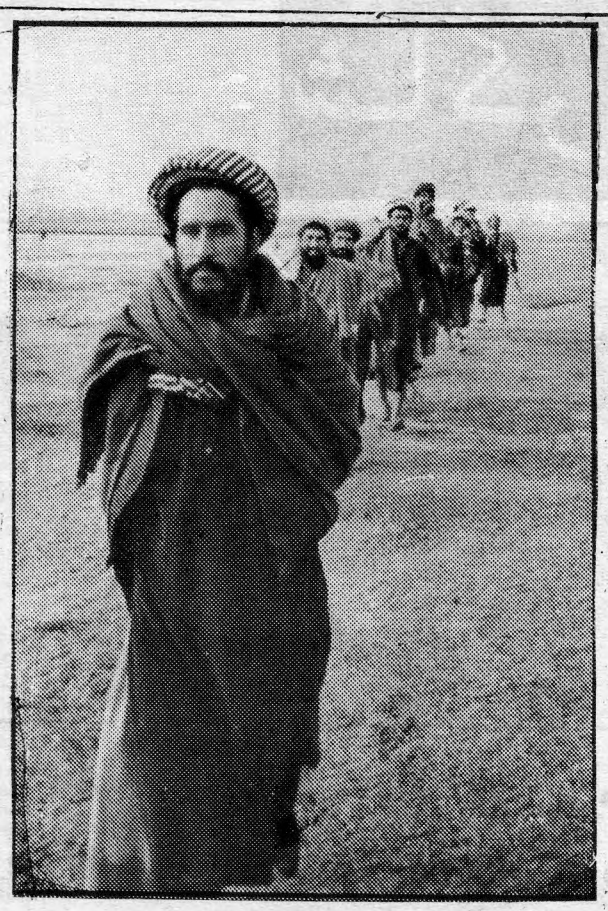

شهید معلم هاشم «فیصل»

وارد نماید، در طی برخود های متعدد که رویا روی با قوای دشمن بود چندین بار زخمی گردیده بود. تا اینکه وقت معین پیوستنش به تعالی حق و رسیدنش به هدف ولائی که شهادت به شاطر کسب رضای الله وبرقراری نظام الهی در جامعه بود فرارسید. در جریان حمله برقطا روسها بمدازاینک چندین موتر دشمن رابه آتش کشیدند، وبه تعداد (۲۰) الی (۳۰) نفر از عساکر دشمن را ازبین بردند هدف مرمی دشمن قرار گرفتند وهمرا بایک تن از مجاهدین همرا هش به تعالی حق پیوست. روحش شاد یادش گرامی باد

فلسفه اسلامی و مارکسیزم

(۲۷) صفحه

نداشته باشد.

مادیها ازمیان علل چهارگانه علت صوری را می‌پذیرند البته فه‌به‌معنی که فلاسفه اسلامی به‌آن معتقدند، علت صوری در فلسفه اسلامی همان واقعیت خارجی فصل است که به انسان تحقق می بخشد وتمام آثار وخواص انسان مربوط به‌اومی‌باشد ودر نتیجه افعال‌وي ازآن صورت جوهری نوع، و انفعالات ازآن ماده نوع، وخود نوع، مرکب از دو چیز می باشد.

درحالیکه علت صوری به‌این‌معنی مورد نظر آنان نیست بلکه افعال وانفعالات وخواص و اثار ماده، معلول ترکیب شیمیائی ماده است و مجموع آثار وخواص‌را که‌یک رشته آثار عرضی است علت صوری می نامند.

نتیجه این که‌ازمیان علل چهار گانه فقط به یک علت آن هم علت مادی اعتقاد دارند.

اینها ومشخصات مکتبهای مادی‌است مهم‌این

شاگردان ممتاز

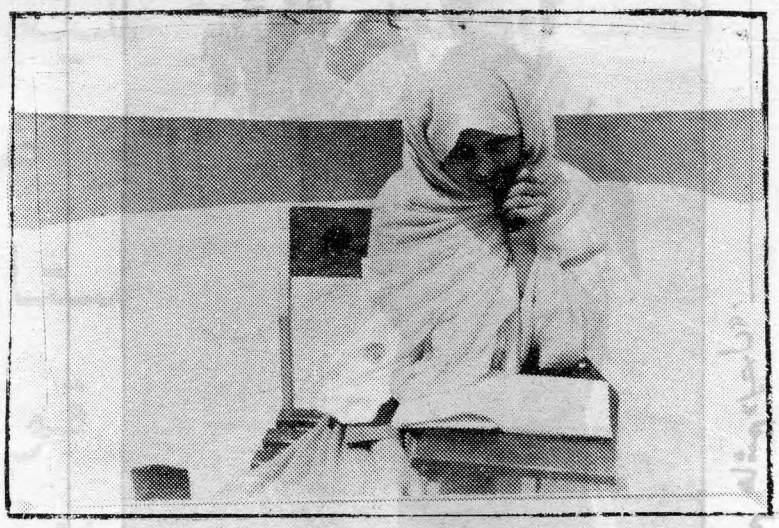

نجیبه از ولسوالی رامک غزنی پاره عمه شریف ونصف سوره الف لام راحفظ دارد وی از شاگردان ممتاز مدرسه المومنات است . فامیلشان در سال ۱۳۵۷ مهاجر شده است .

ملیحه شاگرد ممتاز صنف سوم مدرسه المومنات‌در سال ۱۳۶۵ از ولسوالی نیازی ولایت پروان با فامیلش مهاخر شده است . وی ۲۵ سورقرآن‌مجید راحفظ نموده ودر آینده میخواهد داکتر شود . به مضمون ریاضی زیاد علاقه دارد .

شاگردممتاز دیگرنادیه میباشد که در سال ۱۳۶۵ هجرت نموده وي نيز آرزو دارد که آینده معلم ورزیده ای شود . نادیه ۲۳ سوره از قرآن مجید راحفظ دارد .

نیست که از خصوصیات دو مکتب آگاه کردیم بلکه مهم این است که‌درارزیابی‌خود از حق وحقیقت منحرف نکردیم‌وپیراهن کهنه‌تعصب‌راازتن بیرون کنیم وحقیقت‌را دریابیم .

اکنون که‌با قدر مشترک مکتبهای مادی آشنا هدیم ، لازم‌است که‌باخصوصیات وویژگیهای‌مکتب دیالگ‌تیک که شاخه‌ای از مکتب‌ما دیگری است و سرو صدای بیشتری در عصر ما ایجاد کرده‌است آشنا شویم ، ولی‌قبلا لازم‌است که‌معانی ، الفاطدیا- تک تیک ، متا فزیک و ایده آلیسم را فرا گیریم بحث آینده ماپیرامون این‌سه لفظ خواهد بود .

اوضاع

...

واقعات مشابه آن باغ بابر بسته شده وکس دیگر به آن جانمی آمد .

خواهرمامیگوید : خوشبختانه دراین چندماه درکابل ده اوازه آزادی افغانستان وپیروزی انقلاب اسلامی است وضمنا

مجاهدین راجع به مراعات حجاب اسلامی شب نامه ها درکابل پخش می نمایند ،

دیده شده است که زنان کابل درقسمت لباس های خود تغیرات کلی آورده اند

دخترک ترکمن در زیر آتش
باری روسها سیمای مقاوم و امیدبخش
دارد ۰

آریانا آفسٹ پرنٹرز
چاپ سده روڈ پشاور

سنبلہ ۱۳۶۶
عکاسی: ز. صان

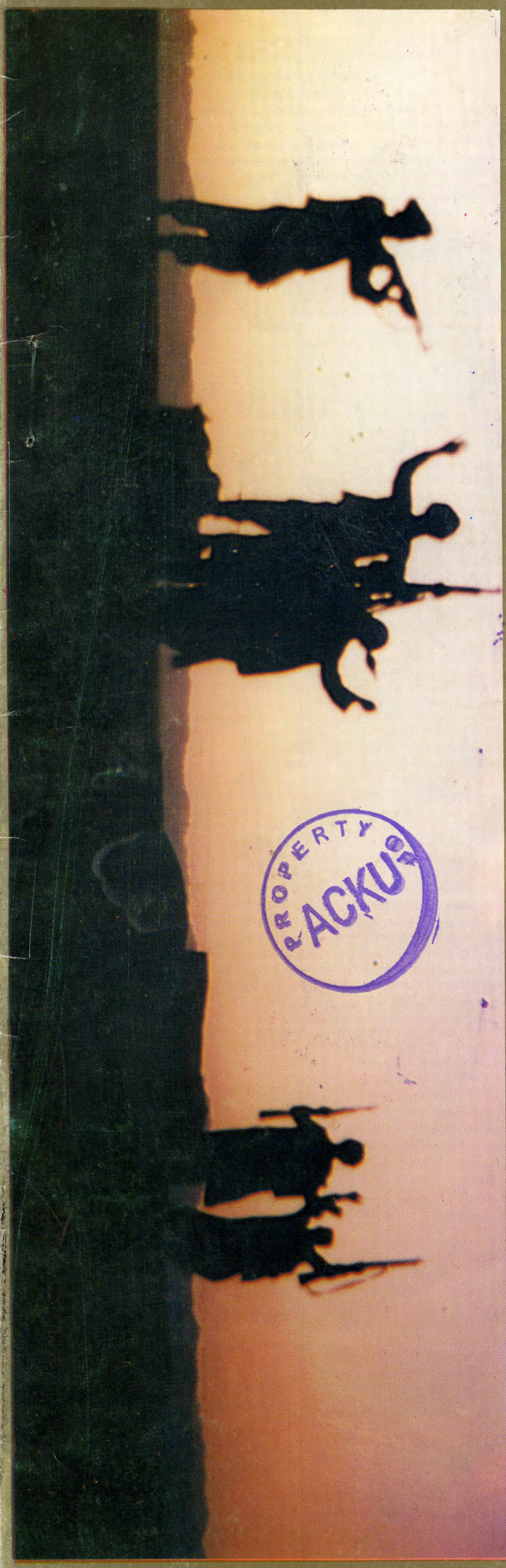
PROPERTY
ACKU

اگر آرزو دارید از رویداد های
حماسه خیز جهاد مطالبی بخوانید

اگر میخواهید از جریانات سیاسی
اجتماعی نهضت واقف باشید

و بالاخره اگر میخواهید با جریانات
کشوری و جهانی نهضت اسلامی
پیوند داشته باشید، با مجله:

پیام
زن مسلمان

مکاتبه نمائید.

BY AIR MAIL
PAR AVION

آدرس تنظیم اسلامی زنان
فقیرآباد نمبر (۲) پشاور پاکستان
پوست بکس (۱۲۶) پشاور صدر